

پراکنده‌ها

در باره سند اول

تصویری که ملاحظه می فرمایید حاصل مذاکرات مجلس شورای ملی برای فراهم کردن زمینه ازدواج محمدرضا پهلوی با فوزیه است. فوزیه مصری بود و از آنجایی که در قانون اساسی آمده بود که مادر ولیعهد باید ایرانی الاصل باشد، اشکالی در کار پدید آمده بود. مجلس شورای ملی برای خوش خدمتی به محمدرضا پهلوی مذاکراتی را طی چند جلسه صورت داد که حاصل آن عبارتی بود که در سند آمده است. ماده واحده مصوب این بود:

ماده واحده - منظور از مادر ایرانی الاصل مذکور در اصل سی و هفتم متمم قانون اساسی اعم است از مادری که مطابق شق دوم از ماده ۹۷۶ قانون مدنی دارای نسب ایرانی باشد یا مادری که قبل از عقد ازدواج با پادشاه یا ولیعهد ایران به اقتضای مصالح عالیله کشور به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی به موجب فرمان پادشاه عصر صفت ایرانی به او اعطا شده باشد. این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه چهاردهم آبان یک هزار و سیصد و هفده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری
در اینجا پیش از دیدن سند مشروح بحث هایی را که در این باره شده خدمت شماره ارائه می دهیم.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱۱

جلسه: ۶۲

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۱۷

فهرست مطالب:

۱. تصویب صورت مجلس
۲. تقدیم لایحه تفسیر اصل ۳۷ متمم قانون اساسی و تصویب آن
۳. موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس چهار ساعت و ربع بعد از ظهر به ریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید.

صورت مجلس روز پنجم آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند.

(اسامی غایبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غایبین با اجازه: آقایان دهستانی - بیات ماکو

غایبین بی اجازه: آقایان منصف - خواجه نوری - ملک مدنی - اردبیلی - تولیت - امیر ابراهیمی - دبیر سهرابی - معدل - روحی - ناصری - قره‌تاش - معتصم سنگ - شباهنگ - قراگوزلو - اورنگ - پناهی دیرآمدگان بی اجازه: آقایان بیات - لیقوانی - دکتر جوان - افخمی - نقابت - نیک‌پور - اعظم زنگنه - ارکانی)

۱. تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد.

۲. تقدیم لایحه تفسیر اصل ۳۷ متمم قانون اساسی و تصویب آن

رئیس - آقای نخست وزیر

نخست وزیر (آقای جم) - برای این که در موصلت فرخنده مبارکی که بین خاندان سلطنتی ایران و خاندان سلطنتی مصر شده است هیچ گونه ابهام و نقطه تاریکی باقی نمانده باشد دولت لازم دانست که یک لایحه تقدیم مجلس شورای ملی کند و اصل سی و هفتم متمم قانون اساسی را تفسیر نماید این است که لایحه تهیه شده است و به قید دو فوریت تقدیم مجلس شورای ملی می‌شود و توضیحاتی هم اگر برای آقایان لازم باشد آقای وزیر دادگستری به اطلاع آقایان خواهند رسانید.

(نمایندگان - صحیح است)

(لایحه را تقدیم مجلس شورای ملی نمودند و به شرح زیر خوانده شد)

مجلس شورای ملی

چون کلمه ایرانی‌الاصل مذکور در اصل ۳۷ متمم قانون اساسی تاکنون در هیچ یک از قوانین به طور صریح و روشن تفسیر نشده در این موقع که موصلت بین خاندان جلیل شاهنشاهی و خاندان سلطنت مصر در پیش است برای این که راجع به وضعیت ملکه و ولیعهد آینده ایران هیچ گونه ابهامی باقی نماند وزارت

دادگستری ماده واحده ذیل را برای تفسیر اصل ۳۷ متمم قانون اساسی تقدیم و به قید دو فوریت تقاضای تصویب آن را می‌نماید

ماده واحده - تفسیر اصل سی و هفتم متمم قانون اساسی

منظور از مادر ایرانی‌الاصل مذکور در اصل ۳۷ متمم قانون اساسی اعم است از مادری که مطابق شق دوم از ماده ۹۷۶ قانون مدنی دارای نسب ایرانی باشد یا مادری که قبل از عقد ازدواج با پادشاه یا ولیعهد ایران به اقتضای مصالح عالیّه کشور به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی به موجب فرمان پادشاه عصر صفت ایرانی به او اعطا شده باشد

وزیر دادگستری - اجازه می‌فرمایید؟

رئیس - بفرمایید

وزیر دادگستری - با این که یقین دارم آقایان نمایندگان این ماده واحده پیشنهادی را با مسرت و شغف فوق‌العاده تلقی می‌کنند برای این که موجب مقدس تقدیم آن در مقدمه لایحه تصریح شده همه می‌دانیم و مطلع هستیم که نامزد عظیم‌الشان والا حضرت همایون ولایتعهد مثل وجود مبارک خودشان مظهر صفات کریمه و مجسمه احساسات عالیّه میهن‌پرستی و شخصیت و بزرگواری هستند مذاکره راجع به فضایل اخلاقی و معنوی ایشان بیشتر مخصوص آن جلسه‌ای خواهد بود که بعد از گذشتن این ماده و قانونی شدن آن لایحه قانون مخصوص والا حضرت فوزیه از طرف هیئت دولت به مجلس تقدیم می‌شود و خلاصه با این که یقین دارم کسی در این کشور نیست که از این وصلت خشنود و خرسند نباشد (عموم نمایندگان - صحیح است) و یقین دارم این لایحه وزارت دادگستری به اتفاق آرا و شادی از مجلس می‌گذرد (عموم نمایندگان - صحیح است) لازم می‌دانم چون ماده واحده با عبارت موجز و مفید که سبک قانون‌نویسی است تهیه شده نکات حقوقی که ارکان این لایحه را تشکیل می‌دهد در اینجا بیان کنم که مطلب خوب و کامل روشن شود البته آقایان می‌دانند که قانون اساسی مشتمل بر یک سلسله اصولی است و آن اصول غالباً کلی و عبارت آن طبعاً طوری تنظیم شده است که اعمال آن محتاج به مقررات تفسیری است که باید ناچار با کمک قوانین عادی صورت بگیرد. تفسیر قانون را گاهی قضات می‌کنند که عبارت از رویه قضایی است و گاهی دانشمندان حقوق می‌کنند که اعتبار آن فقط علمی و برای دانشکده‌ها است اما تفسیر رسمی که الزام‌آور است تفسیری است که مجلس شورای ملی می‌کند آن هم به استناد اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی که تفسیر را از حقوق خاص مجلس قرار داده است

در مورد اصل ۳۷ متمم قانون اساسی متوجه می‌شویم که شرط ولیعهد شدن را این طور قرار داده است که مادر ولیعهد ایرانی‌الاصل باشد باید معلوم کنیم که مراد از کلمه ایرانی‌الاصل در اینجا چیست البته تصدیق می‌کنید که این کلمه را باید با قوانین عادی روشن کرد دیگر جای توضیح آن در خود قانون اساسی نیست. ما یک قانون مدنی داریم که تکلیف شقوق مختلفه تابعیت یعنی ملیت ایران را معلوم کرده است اگر چه با همین مقررات فعلی قانون مدنی خودمان ممکن بود همین طور قانون اساسی را از کلمه ایرانی‌الاصل به دست بیاوریم و محتاج به گذراندن قانون خاصی نباشیم ولی چون موضوع مهم است و

مقام ملکه آینده و ولیعهد آینده ایران اهمیت خاصی دارد و باید مقررات طوری روشن و صریح باشد که در آینده جای هیچ گونه تأویلی باقی نماند لازم دانستیم قانون مخصوصی بگذرانیم. قانون مدنی ما مثل اغلب قوانین مدنی سایر کشورها برای حصول ملیت ایران طرق و اسبابی قائل شده است از قبیل نسب یعنی متولد شدن از پدر ایرانی و حق آب و خاک یعنی متولد شدن در خاک ایران و ازدواج با ایرانی ولی البته بعضی از این اسباب ایرانییت را به طور ثابت برای اشخاص محرز می‌کند و بعضی از آن اسباب منشأ یک تابعیت عرضی برای اشخاص می‌شود از جمله ازدواج که تابع بقای زوجیت است و زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر به تابعیت اصلی خود رجوع نماید حالا بعد از این توضیح مبانی حقوق مدنی ایران ببینیم که کلمه ایرانی اصل با کدام یک از موازین قانون ملیت ایران روشن می‌شود. اگر تصور بکنیم که ایرانی‌الاصل کسی است که تمام اسلاف او ایرانی باشند معقول نیست زیرا نه قانون مدنی چنین شرحی کرده است و برای احراز نسب ایرانی فقط یک پشت ایرانی بودن را کافی دانسته و نه عملاً چنین فرضی فایده دارد زیرا گمان نمی‌کنم کسی در اینجا باشد که بتواند ثابت کند که در اسلاف او یک غیر ایرانی نبوده است و قانون هیچ وقت حکم خود را تعلیق به امر محال نمی‌کند و چون به طوری که قبلاً گفته شد ازدواج یکی از اسبابی است که ملیت را به طور عرضی برای اشخاص تحصیل می‌کند می‌توانیم این طور نتیجه بگیریم که قانون اساسی ما نخواست است تصدیق بکند که مادر ولیعهد یعنی ملکه ایران صرفاً به سبب ازدواج با پادشاه ایران دارای عنوان ایرانییت که در این صورت یک عنوان عرضی است بشود و حقاً شرط کرده است که ملکه ایران نباید دارای صفت ایرانییت به طور عرضی باشد بلکه قبل از ازدواج با پادشاه یا ولیعهد ایران صفت ایرانییت را به طور ثابت یعنی اصلی تحصیل کرده باشد و به این ترتیب ایرانی‌الاصل باشد (نمایندگان - صحیح است) این نظر قانون اساسی بسیار منطقی و صحیح است و هیچ کس در لزوم آن تردید ندارد وقتی که نظر این شد برای تفسیر این کلمه کافی بود در این ماده واحده پیشنهادی بنویسیم که منظور از مادر ایرانی‌الاصل مذکور در اصل ۳۷ متمم قانون اساسی کسی است که قبل از ازدواج با پادشاه یا ولیعهد ایران دارای صفت ایرانییت شده باشد و ترتیب تحصیل ایرانییت قبل از ازدواج را تابع قواعد عمومی قانون مدنی بکنیم اما ما به این اندازه اکتفا نکردیم زیرا موضوع قانون مهم است و مقام ملکه آینده ایران است ملکه ایران نباید قبل از ازدواج با پادشاه یا ولیعهد مثل یک فرد عادی تحصیل تابعیت ایران را کرده باشد - از شقوق ملیت ایرانی فقط یک فرد را که عبارت است از شق دوم ماده ۹۷۶ قانون مدنی یعنی کسانی که از پدر ایرانی به وجود می‌آیند و ایرانییت آنها البته قهری است خارج کرده‌ایم و برای سایر افراد قانون تابعیت اعم از کسانی که به واسطه تولد در خاک ایران حق اختیار تابعیت ایران را دارند یا به شرط توقف در ایران و حتی در مورد کسانی که به واسطه مقام علمی مهم بدون شرط توقف ممکن است به تابعیت ایران پذیرفته شوند مقررات عمومی قانون مدنی را کافی ندانسته‌ایم کسی که باید مادر ولیعهد ایران باشد بایستی بیش از این مقررات عادی اعتبار داشته باشد و باید تمام مقاماتی که به موجب قانون اساسی ما مقرر شده و اساس مشروطیت ما را تشکیل می‌دهند ایرانییت او را تصدیق کرده باشند. پیشنهاد هیئت دولت - تصویب مجلس شورای ملی - فرمان پادشاه عصر - در

قانون اساسی ما مافوق این سه دیگر چیزی نیست. بنابراین آقایان تصدیق می‌فرمایند که در تفسیر قانون اساسی هم مبانی حقوقی ملحوظ شده و هم مصالح عالیه کشور کلمه ایرانی‌الاصول با این تفسیر اساسی و محکم کاملاً واضح و روشن می‌شود و دیگر هیچ گونه تردیدی در مفاد و معنی آن باقی نمی‌ماند (عموم نمایندگان - صحیح است - صحیح است)

رئیس - این عرضی که می‌کنم، تنها از نظر شخصی نیست بلکه به علاوه عقیده خودم موافق با عقاید عامه و افکاری است که از ملت ایران استنباط کرده‌ام آنچه از صحبت اشخاص با خودم و روایاتی که از دیگران شنیده‌ام و به دست آورده‌ام مرد و زن ایرانی نیست که از این وصلت و این اقدام صمیمانه مسرور نباشد (صحیح است) از روی حقیقت سرور و نشاطی که در این مورد از مردم مشاهده می‌شود هیچ وقت سابقه نداشته است - افکار عالیه و نیات شاهانه که از شاهنشاه در هر باب ظاهر شده بالاترین باید گفت مؤید به تأییدات غیبی است (صحیح است) زیرا همه می‌بینند که هر یک مقامی دارد که هیچ بیانی به وصف آن نمی‌رسد چنان که این قصد همایون از آن افکار شاهانه است که هیچ فکری نمی‌توانست به بهتر از آن موفق شود (صحیح است) برای همسری شاهنشاه‌زاده عالی مقام ما و ولیعهد ملک خصال ایران که به علاوه معلومات عالیه مکتسبی دارای فضایل و اخلاق ملکوتی هستند هرگز ممکن نبود شاهزاده خانمی دارای مزایای عالیه سزاوارتر و شایسته‌تر از شاهزاده‌ای از خانواده باشرافت و جلیل سلطنتی مصر مثل والا حضرت فوزیه در نظر گرفته شود این دو کشور باستانی ایران و مصر که از اعصار اولیه دنیا مهد تمدن و علم و صنعت بوده آثار باستانی آنها همیشه مورد توجه دنیا است روابط یگانگی و دوستی‌شان با یکدیگر از قدیم و مخصوصاً وداد و یک جبهتی آنها اخیراً مورد تردید نبوده هیچ وقت غیر از صفا مابین آنها چیزی واقع نشده است. خاندان باجلالت سلطنت مصر را هم همه می‌شناسند که از حیث اعضای باشهامت و سلاطین باشوکت در دنیا امتیاز داشته اقدامات و عملیات‌شان در عظمت مصر و خدمت به اسلام در متون تواریخ همیشه باقی و برقرار خواهد بود (صحیح است) پس ملت ایران حق دارد از صمیم قلب شادمان باشد با علاقه و عشقی که به خاندان سلطنتی خود دارد و از این که شاهنشاه عظیم‌الشأن چنین پیوندی برای فرزند عالیقدر و ولیعهد کشور انتخاب فرموده این است که بنده از طرف مجلس شورای ملی ایران این اقدام دولت را برای تدارک مقدمه این نیت مقدس تبریک گفته و تفسیری که دولت فرموده‌اند تقدیر می‌نمایم (صحیح است) و همه امیدواریم به خواست خداوند متعال از این پیوند میوه‌هایی به ثمر برسد که موجب روشنی واقعی دیده و دل هر دو ملت باشد (صحیح است - انشاءالله) و برای فرخی و برکت اسلام و خیر و سعادت عالم شرق از این وصلت همایون نتایج خیلی عالی حاصل گردد (صحیح است) رأی گرفته می‌شود به فوریت اول موافقین برخیزند

(عموم نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته می‌شود به فوریت دوم آقایان موافقین قیام فرمایند

(عموم نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده واحده مطرح است. آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - تفسیری که از اصل ۳۷ متمم قانون اساسی مصوب مجلس مؤسسان تقدیم مجلس شورای ملی شده با توضیح جناب آقای نخست وزیر و بیان جامع و کافی جناب آقای وزیر دادگستری به نظر بنده و همکاران کاملاً صحیح و منطقی است. برای این که کسی ایرانی باشد یا ایرانی بشود قانون مدنی و قانون تابعیت مقرراتی معین کرده مثلاً یکی از اتباع بیگانه مقیم ایران اگر بخواهد ایرانی شود باید لااقل پنج سال در ایران اقامت داشته باشد ولی برای ایرانی‌الاصل در هیچ یک از قوانین تعریفی نشده که چگونه کسی ممکن است مطابق قانون ایرانی‌الاصل شناخته شود

در لایحه تقدیمی ایرانی اصلی به دو دسته تقسیم شده: یکی کسی که از پدر و مادر ایرانی متولد شده باشد دیگری آن که از نظر اهمیت شخصی و مقامی و مصلحت کشور ایرانی بودنش مفید تشخیص داده شود چنین کسی اگر بنا شود مادر ولیعهد گردد لازم دانسته شده که با تصویب ملت ایرانیت اصلی از طرف پادشاه به او اعطا گردد. و این تعریف قانونی بسیار صحیح و به موقع است.

به علاوه مفهوم و فلسفه ماده ۳۷ متمم قانون اساسی هم که گفته است مادر ولیعهد باید ایرانی‌الاصل باشد آن است که مادر ولیعهد یک ایرانی باشد واجد صفت نجابت و اصالت و بزرگواری تا در نتیجه ازدواج منافع نژادی و مصالح سیاسی هر دو ملحوظ و محفوظ باشد. حالا اگر موردی پیش آید که اصالت و نجابت و بزرگواری طرف محرز باشد و مصالح کشور هم اقتضا نماید و اصل ایرانیت هم به رضای ملت و فرمان شاه به نامزد ولیعهد اعطا گردد در این صورت رعایت لفظ و معنای قانون اساسی شده است. از آن جمله مورد نامزدی والا حضرت همایون ولیعهد محمدرضا شاهپور با والا حضرت فوزیه خواهر اعلیحضرت ملک فاروق پادشاه مصر است که مشمول قسمت دوم ایرانی اصلی خواهند شد. قائد عظیم‌الشأن ما اعلیحضرت همایون شاهنشاه که این مواصلت مسعود را با آن خاندان جلیل صلاح دانسته‌اند تمام ملت هم با ایمان و عقیده کامل یقین دارد که این اقدام برجسته هم مثل تمام اقداماتشان مفید است.

به علاوه والا حضرت ولایتعهد که دارای تحصیلات عالی - اخلاق نیکو صفات ممتاز طبع بلند و قلب رئوف می‌باشند محبوب همه ملتند و تحصیل رضای خاطر مبارکشان بر همه اهالی کشور فرض است و ملت ایران سعادت و کامیابی و عظمت و جلالتشان را از جان و دل خواهند. از طرف دیگر والا حضرت فوزیه ملکه آتیه ایران از خاندان جلیل پادشاهی می‌باشد که ابا عن جد فرمانروا بلکه نجات‌دهنده کشور مصرند و خدمات ذی‌قیمت و گرانبه‌ای مرحوم ملک فؤاد پدرشان به ملت و مملکت مصر موجب محبوبیت فوق‌العاده اعلیحضرت ملک فاروق و خواهران معظمشان شده.

گذشته از این که کشور مصر که مهد تمدن قدیم بوده مرهون خدمات این خاندان اصیل جلیل است خود والا حضرت فوزیه شخصاً مزایای موروثی را با فضایل و معلومات مکتسبی جمع نموده‌اند و مفاد شعر خواجه حافظ که: آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری مصداق وجود مبارکشان می‌باشد

پس با تصدیق این حقایق اعطای ایرانیت اصلی از طرف شاهنشاه ایران به والا حضرت فوزیه ملکه آینده مورد تصویب تمام نمایندگان ملت است بلکه آرزوی تمام ایرانیان می‌باشد (صحیح است - صحیح است) عرایض بنده نه تنها از طرف خود بلکه احساسات و عقیده تمام نمایندگان است که همه از صمیم قلب

پرستنده قائد عظیم‌الشان خود و مؤمن به ازدواج والاحضرت ولیعهد با والاحضرت فوزیه می‌باشند بنابراین با تفسیری که هیئت محترم دولت از اصل ۳۷ متمم قانون اساسی به مجلس شورای ملی پیشنهاد فرموده‌اند همگی موافقت خود را اظهار و در خاتمه سعادت و فرخندگی این وصلت میمون و مبارک را که موجب پیوستگی کامل دو کشور ایران و مصر است برای هر دو کشور از خداوند مسئلت نموده تمنا داریم پس از تصویب این لایحه هیئت محترم وزیران هر چه زودتر لایحه اعطای ایرانیت اصلی را به ملکه آینده و والاحضرت فوزیه برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم فرمایند

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - چون این لایحه تفسیریه که به موجب اصل ۲۷ متمم قانون اساسی که شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است که هیئت دولت شاهنشاهی تقدیم مجلس شورای ملی نموده‌اند برای شرح و تفسیر اصل ۳۷ متمم قانون اساسی است این لایحه مبشر یک موضوع بزرگ و یک قضیه‌ای است که افکار عموم ملت ایران متوجه آن موضوع است لازم شد که این بنده در نتیجه حاصله از این مقدمه و از تصویب این لایحه عریضی عرض نمایم:

از بدو ظهور کوکب اقبال این کشور باستانی و طلوع نیر اعظم قائد توانای ایران اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی خلدالله ملکه یعنی از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا امروز در هر سال و هر ماه بلکه هر روز قدم‌هایی به طرف تعالی و ترقی برداشته شده و به دست توانای این قائد بزرگ سدهای عظیم و موانع بزرگ که در قرون متمادی مانع ترقی و تمدن و آبادی این کشور بود برداشته می‌شد یا مقاصد و مرام‌هایی که در عالم خیال و تصور ملیون و منورالفکرهای این کشور روی کاغذ آورده بودند از عالم خیال و تصور تجاوز نکرده بود به ید قدرت این شاهنشاه معظم به عالم وجود آمد و یکی بعد از دیگری عملی شد (صحیح است) بلکه موضوعاتی که به خیال و تصور کسی خطور نکرده بود به فکر عالی و رأی صائب و دست توانای شاهنشاهی به منصفه ظهور و بروز آمد و مضمون این طفل یکشبه ره صد ساله می‌رود ظاهر گردید حقیقتاً حیرت‌آور است در این مدت کم این همه آثار بزرگ جزو خوارق عادت است چون همه آن آثار در منظر و مرآی عمومی است لازم نمی‌دانم به هر یک از آن اقدامات اشاره نمایم چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است. آفتاب آمد دلیل آفتاب عرض عرضم از تمهید این مقدمه این است. که در هر موقع که یک اصلاحی شده و یک قدم به تعالی و ترقی برداشته شده و هر اقدامی که در برداشتن سدهای راه ترقی و موانع و برداشتن زنجیرهای اسارت شده اهالی این کشور که تصور این اقدامات را نمی‌کرده‌اند بروز احساسات کرده جشن‌ها چراغانی‌ها بر پا کرده عید می‌گرفتند لیکن در هیچ یک از آن قضایای مهم با این که بعضی از آن قضایا موضوعات حیاتی و استقلال کشور بوده - شور و شغف و عیش و سروری که در عموم اهالی این کشور در روز اشاعه فرمان مهر لمعان همایونی دایر به نامزدی والاحضرت فوزیه با والاحضرت همایون شاهپور ولیعهد در قاطبه اهالی بود دیده و شنیده نشده بود واقعاً خوشوقتی و خرسندی از ناصیه و چهره هر کس ظاهر و هویدا بود تمام ملت ایران مشغول عیش و عشرت شدند حقیقتاً در این قضیه از جنوب و شمال و شرق و غرب بلکه ایرانیان ساکن ممالک و کشورهای خارجه فرح و انبساط فوق‌العاده در کلیه مردم از مرد وزن پیر و برنا عالی

و دانی روی داده مستغرق شادمانی بودند جشن‌ها و مجالس عیش و سرور بر پا نموده به یکدیگر تبریک گفته و فکر بلند شاهنشاهی را تقدیس می‌کردند در واقع این است معنی و حقیقت توجه افکار عمومی و الحق ایرانیان در این قضیه بر عالمیان درجه و فرط علاقه خود را به شاهنشاه زاده و ولیعهد شاهنشاه معظم و میهن خود واضح و لایح نمودند و در تمام اصقاع کشور در شهرستانها و بخش‌ها، قصبات حتی قراء و دهات چراغانی کرده و در مجالس جشن هر کس به قدر فهم و استعداد خود هر یک برای یکدیگر محسنات و نتایج این وصلت خیرت اثر را شرح داده و از اتصال این دو خانواده بزرگ و اتحاد این دو کشور تاریخی باستانی اسلامی خوشوقتی می‌کردند و پرچم شیر و خورشید ایران و ماه و ستاره مصر در کوی و برزن در اهتزاز بود و مردم به ذکر و الشمس و ضحیه‌ها و القمر اذا تلیها رطب اللسان بودند (صحیح است) خاطر دارم هنگامی که با موبک همایونی به چشمه سفید برای اتصال راه آهن جنوب و شمال رفتیم و با آن تشریفات بزرگ در وقتی که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پیچ و مهره اتصال را با دست مبارک متصل می‌فرمودند در آن موقع به ذهن بنده خطور کرد همین قسم که اراده شاهنشاهی و دست قدرت پهلوی خط آهن در ایران ایجاد و دو دریای عمان و خزر را به هم متصل فرمودند دو خانواده بزرگ شاهنشاهی ایران و پادشاهی مصر را به هم متصل نمودند مرحوم محمدعلی کبیر و خانواده ایشان که به کشور کهن سال مصر استقلال و آزادی داده و ملت مستعد مصر را خود و اعقابش به ذروه اعلائی ترقی و تمدن رسانیدند و اعلیحضرت پهلوی شاهنشاهی معظم ایران که کشور کهن سال تاریخی باستانی ایران را از غرقاب هلاکت نجات و احیا کرده و ملت ایران را از حضيض پست و انحطاط به اوج ترقی و تمدن رسانیده فکر بلند شاهنشاهی این دو خانواده تاریخی را به این مواصلت اتصال داده و این دو کشور را متحد فرموده چنان که دو دریا را به هم متصل فرمودند و آیه شریفه مرج البحرين يلتقیان و یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان در نظرم مجسم شد بعد که فرمان جهان مطاع همایونی شرف صدور یافت و محل اتصال دو دریا و خط آهن چشمه سفید را به نام نامی فوزیه نام گذارند موجب حیرت شد و فهمیدم هذا مما الهمنی الله تعالی و شعر تاریخ این نامزدی خیلی به موقع است - مزده از وصل این دواصل قدیم - داده انجم ز احسن التقویم که ۱۳۵۷ است. اما در اصل موضوع الحق دولت در این تفسیر استنباط و اجتهاد خوبی کرده و ایرانی‌الاصل را خوب شرح و تفسیر کرده‌اند بدیهی است غرض از ایرانی‌الاصل همان است که قانون مدنی در جلد دوم در ماده ۹۷۶ در ۷ فقره شرح داده اگر چه فقره شش اشاره به این موضوع دارد لکن برای اهمیت موضوع با در نظر گرفتن ماده ۹۸۰ خواسته‌اند اهمیت خاصی به این موضوع که اهمیت هم دارد بدهند ایران‌الاصل را دو قسم کرده‌اند یک قسم همان است که در قانون مدنی ذکر شده یک قسم خاصی که به تشریفات مهمی اعطا شود یعنی هیئت دولت که قوه مجریه است تصویب و پیشنهاد نمایند و هیئت مقننه تصویب کند فرمان همایونی صادر شود بدیهی است که عموماً از روی ایمان و عقیده این موضوع را تصویب و تقدیس می‌نماییم

نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - این که بنده اجازه خواستم برای صحبت کردن در متن موضوع نیست زیرا متن موضوع صحبتی ندارد لایحه‌ای که از طرف هیئت محترم دولت به عنوان تفسیر اصل ۳۷ متمم قانون اساسی تقدیم مجلس شورای ملی نموده‌اند محتاج هیچ گونه صحبت و ملاحظاتی نیست و به عقیده بنده تفسیر صحیحی است که از اصل ۳۷ متمم قانون اساسی نموده‌اند

تقدیم این لایحه یک فرصت ثانوی به مجلس شورای ملی که نماینده افکار و احساسات ملت ایران است می‌دهد که برای یک مرتبه دیگر احساسات ستایش‌آمیز خود را نسبت به این وصلت خجسته مبارک که میزان آن را جشن عمومی ملت ایران تعبیر نمود نشان دهد.

حس ستایش و ایمان عمیقی که در تمام طبقات ملت ایران نسبت به خالق و موجد ایران نو موجود است همه ما را نسبت به خاندان عظیم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و مخصوصاً نسبت به ذات مقدس پیشوای جوانان کشور والا حضرت همایون ولیعهد به درجه‌ای علاقمند نموده است که وقتی مژده نامزدی معظم له با والا حضرت شاهزاده فوزیه منتشر گردید تمام ملت ایران حتی در دورترین قصبات و دهستان‌ها بساط جشن و شادمانی گسترده و آن ایام فرخنده و مسرت بار از خاطر هیچ کس فراموش نخواهد شد.

من در اینجا ناچارم به یک نکته مهمی اعتراف کنم و آن این است که انتخاب موضوع همسری و وصلت با خانواده پادشاهی مصر یک اثر خاصی به قضیه داده و میمنت و فرخندگی این موضوع مهم تاریخی را زیادتر کرده و تأثیر شدیدی در افکار و احساسات عمومی ایران بخشیده زیرا ملت مصر با تمدن قدیم و قویم و درخشان خود و با روابط زیادی که از لحاظ سیاست و چه از جنبه تربیت و چه از لحاظ اقتصاد که از زمان قدیم و بعد از آن در دوره‌های اسلامی با ملت ایران داشته است پیوسته مورد علاقه و توجه و احترام ملت ایران بوده است. علاوه بر اینها خانواده سلطنتی مصر به واسطه تأسیسات و افکار بزرگ مرحوم محمدعلی کبیر و خدمات متوالی و مسلسلی که تمام افراد این خانواده نجیب و بزرگ در راه ترقی و تعالی مصر و در نشر و قبول تمدن غرب در شرق متحمل شده‌اند یک موفقیت بسی شایان و قابل تمجید و احترامی در قلوب عموم ملل شرق و مخصوصاً ایران داشته‌اند اکنون که با وصلت دو خانواده بزرگ شاهنشاهی ایران و پادشاهی مصر روابط مادی و معنوی و ادبی این دو ملت که سنسال بیشتر و محکم‌تر و پایدارتر می‌شود بنده وظیفه خود می‌دانم که دوباره آن را به ملت ایران تهنیت گفته و انجام این امر مهم تاریخی و خجسته را که مقصود و آرزوی تمام ملت ایران است با کمال شغف و سرور منتظر باشیم

نمایندگان - انشاءالله

رئیس - آقای دکتر غنی

دکتر غنی - هر بار که صحبت این نامزدی مبارک در میان می‌آید واقعاً مژده مسرت و شادمانی عمومی است که تجدید می‌شود.

اشخاصی که در عصر همایون پهلوی زندگانی می‌کنند خوشبخت هستند که هر روز خبر خوش دارند هر روز مژده مسرت‌بخشی می‌شنوند لازمه زندگانی یک کشور سعادت‌مند همین هست زندگانی یعنی تحول و تعبیر سعادت‌مندی یعنی تحول به طرف خیر و صلاح پس ما زنده‌ایم و سعادت‌مند

برای این که هر روز کشور ما در زیر سایه اعلیحضرت شاهنشاهی قدیمی تازه به طرف خیر و صلاح برمی‌دارد.

در طی دیگر کارهای اساسی این عصر همایون یکی موضوع این مواصلت مبارک است که حقیقتاً از فصل‌های برجسته تاریخ دولت شاهنشاهی ایران به شمار می‌رود و قطعاً در تاریخ گذشته این کشور هیچ مواصلت سلطنتی به این خوبی و شایستگی وجود نیافته است.

در کشورهای پادشاهی لزوم احترام و تعظیم تخت و تاج بالاترین موضوعات است زیرا عظمت کشور بسته به عظمت آن است این است که موضوع مواصلت سلطنتی همیشه یکی از دقیق‌ترین و مهم‌ترین موضوع‌ها و مسائل کشور است.

چقدر جای خوشوقتی است که امروز در خاندان شاهنشاهی ما این موضوع به این خوبی حل شده است که واقعاً بهتر از آن به تصور نمی‌آمد.

کشور شاهنشاهی ایران و کشور پادشاهی مصر علاوه بر این که هر دو شرقی، هر دو اسلامی، هر دو سلطنتی هستند یک نوع نزدیکی و مناسبت‌های روحانی و معنوی خاصی هم بین این دو کشور هست که اگر کسی به رأی‌العین ندیده باشد نمی‌تواند کم و کیف آن را خوب بفهمد. بنده که خوشبختانه با چشم خود دیده‌ام می‌توانم عرض کنم که شاید میان مردم هیچ دو کشوری این قدر مهربانی و یکدیگر را دوست داشتن سابقه ندارد

بحث در علل و موجبات تاریخی این مطلب البته بحث جداگانه می‌خواهد شاید بتوان گفت که مناسبات ادبی و آشنا بودن این دو کشور به آثار فکری یکدیگر عامل مهم و مؤثری بوده است حاصل این است که ایران و مصر از جهت معنوی هم با یکدیگر بسیار نزدیک هستند واقعاً به وصف در نمی‌آید که مصری‌ها در موقع اعلام مژده مواصلت همایونی چه شور و شوقی داشتند و چه احساسات مهرآمیز نشان دادند.

پس از این مقدمات خوب می‌توان تصور کرد که این مناسبت تازه میان این دو کشور و این مواصلت همایون بین دو خانواده بزرگ چقدر طبیعی و خوشایند است.

جلسه امروز ما که وقف بر این صحبت است حقیقتاً یکی از جلسه‌های پر افتخار مجلس است. دولت لایحه به مجلس آورده است لایحه سراپا شادمانی و مسرت به موجب این لایحه بر طبق قوانین موضوعه با بیانات عالی‌ای که جناب آقای نخست وزیر فرمودند و توضیحات عالمانه که جناب آقای وزیر دادگستری دادند دولت و کشور ایران می‌خواهد یک فرد بسیار بسیار محترم را در جامعه خود وارد کند یعنی سالانه معظم یکی از بزرگ‌ترین خاندان‌های سلطنتی شرق دختر اعلیحضرت فؤاد اول و خواهر اعلیحضرت فاروق اول پادشاه معظم کشور مصر والا حضرت فوزیه را به صفت ایرانی اصل بشناسد

مقدم این عضو خجسته را برای کشور خودمان با کمال احترام به فال نیک گرفته و آن را سرمایه فوز و صلاح می‌شماریم.

رئیس - ماده واحده خوانده می‌شود

ماده واحده - منظور از مادر ایرانی‌الاصل مذکور در اصل ۳۷ متمم قانون اساسی اعم است از مادری که مطابق شق دوم از ماده ۹۷۶ قانون مدنی دارای نسب ایرانی باشد یا مادری که قبل از عقد ازدواج با پادشاه یا ولیعهد ایران به اقتضای مصالح عالیه کشور به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی به موجب فرمان پادشاه عصر صفت ایرانی به او اعطا شده باشد

رئیس - رأی گرفته می‌شود به ماده واحده آقایان موافقین قیام فرمایند
(عموم نمایندگان برخاستند)

رئیس - به اتفاق آرا تصویب شد

۳. موقع جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - اگر اجازه می‌فرمایید جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

جلسه آینده روز یکشنبه ۲۹ آبان ماه دو ساعت بعد از ظهر

(مجلس پنجساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

تفسیر اصل سی و هفتم متمم قانون اساسی موضوع کلمه ایرانی‌الاصل

ماده واحده - منظور از مادر ایرانی‌الاصل مذکور در اصل سی و هفتم متمم قانون اساسی اعم است از مادری که مطابق شق دوم از ماده ۹۷۶ قانون مدنی دارای نسب ایرانی باشد یا مادری که قبل از عقد ازدواج با پادشاه یا ولیعهد ایران به اقتضای مصالح عالیه کشور به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی به موجب فرمان پادشاه عصر صفت ایرانی به او اعطا شده باشد. این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه چهاردهم آبان یک هزار و سیصد و هفده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

در باره سند دوم

سند دوم یکی از نخستین قانون نامه های بلدی تهران است که در اینجا عینا تصویر آن به چاپ می رسد. این قانون بلدی لایحه ای بود که کمیسیون وزارت داخله آماده کرده و به مجلس تقدیم نموده تا آن را تصویب کند.

خبر از کمیسیون داخله به مجلس شورای ملی

کمیسیون داخله لایحه قانونی بلدی پیشنهادی وزارت داخله را در تاریخ دهم جمادی الثانیه ۱۳۴۰ (دلو ۱۳۰۰) به کمیسیون ارجاع شده بود در جلسات عدیده خود تحت شور و مذاقه قرار اده و با حضور کفیل وزارت داخله اصلاحات و تغییر و تبدیلاتی که مقضی داشته با موافقت نظر معزی‌الیه بعمل آورده در جلسه

پراکنده‌ها

۱۹ ذی حجه ۱۳۴۰ مطابق ۲۱ برج اسد ۱۳۰۱ با اکثریت آراء تصویب و به مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد. (مخبر کمیسیون محمد حسین)

در باره سند سوم:

زمانی که قانون اساسی مشروطه نوشته شد، به طور مکرر در تهران و تبریز و شاید برخی از شهرهای دیگر به چاپ رسید. نسخه ای که تصویر آن را در اینجا ملاحظه می‌کنید در آذربایجان چاپ شده است. پس از چاپ در اختیار شخصی قرار گرفته که به ویرایش آن پرداخته است. در این جا از بابت توجه دادن به سند مشروطیت و دیدگاه هایی که در آن زمان برای ویرایش وجود داشته، عینا آن را خدمت شما تقدیم می‌کنیم.

در باره سند چهارم

چهارمین سند، اساسنامه جامعه فارغ التحصیل های مدرسه علوم سیاسی است که در سال ۱۳۰۳ ش تنظیم و تدوین شده است.

سند پنجم

صفحه اول کتاب منابع الحکم است که شخصب آنرا با دست نوشته و حاوی اطلاعاتی است درباره محل دفن محمدعلی صفوة تبریزی است.

به کوشش رسول جعفریان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پیام بهارستان / ۲۵، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰











۷ ۶

تیسرو - سیریکه شهر که بوقعا عیارت من کتبه در موروثیکه قولندار
 نوعی انتظام بر اجرت تیارانی حتی انتخاب کردن در دلداری
 ۱ - دایتم دره مویرک (پدر شهر مدان که دفتر بصلر آموغان کتبی
 شده باشد)
 ۲ - مله چهاردهم - انتظامی قبل از حق انتخاب معروضه
 ۳ - نهران
 ۴ - انتظامی که معمر لارنگک جنجود و جلالت شده اند
 ۵ - درنگان تقسی و معصومین
 ۶ - انتظامی که از بابش نورس بلدی بنام درونه و پیش از نصف
 مالیات و عوارض - انتخاب سید و ترادجه اند
 ۷ - چکانی که انتظامی که نوزادان این نوزادان امرا و معاش میباشند
 ۸ - گانز درم - انتظامی قبل از شرکت در انتخابات شرط - مؤلف
 ۹ - حکم و معاینه آنها در محل حکومت
 ۱۰ - انتظامی در محل مایوریت
 ۱۱ - عوارض بزرگ نظام بری اوسری در حق دولت
 ۱۲ - انتظامی که از مؤسسات غیره اجاره می کنند
 ۱۳ - نمانه خازنظام - شرایط انتخاب کردن در حق انتخاب کنندگان
 ۱۴ - نمانه انتخاب شوندگان قبل از اول سال داغی سواد فرسوزان
 ۱۵ - نمانه کافی دارا بوده و نیز قبل از انتخاب در مایوریت انتخاب بود
 ۱۶ - نمانه انتخاب کنندگان قریب انتخاب شدن را قبوله - پنجاه
 ۱۷ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۱۸ - نمانه شیروم - انتخاب کنندگان و کلای بلدی بند دارای شرایط
 ۱۹ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۲۰ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۲۱ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۲۲ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۲۳ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۲۴ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۲۵ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۲۶ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۲۷ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۲۸ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۲۹ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۳۰ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۳۱ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۳۲ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۳۳ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۳۴ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۳۵ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۳۶ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۳۷ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۳۸ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۳۹ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۴۰ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۴۱ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۴۲ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۴۳ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۴۴ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۴۵ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۴۶ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۴۷ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۴۸ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۴۹ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۵۰ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۵۱ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۵۲ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۵۳ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۵۴ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۵۵ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۵۶ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۵۷ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۵۸ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۵۹ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۶۰ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۶۱ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۶۲ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۶۳ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۶۴ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۶۵ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۶۶ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۶۷ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۶۸ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۶۹ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۷۰ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۷۱ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۷۲ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۷۳ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۷۴ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۷۵ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۷۶ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۷۷ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۷۸ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۷۹ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۸۰ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۸۱ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۸۲ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۸۳ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۸۴ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۸۵ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۸۶ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۸۷ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۸۸ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۸۹ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۹۰ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۹۱ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۹۲ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۹۳ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۹۴ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۹۵ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۹۶ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۹۷ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۹۸ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۹۹ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
 ۱۰۰ - نمانه شرط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان



۷

علاوه براین هم - اشخاصی که در بار انتخاب شدن خدمت کرده اند در
 مجلس خود را در روزه معینی نوشته و از روزیکه بنام ماه ۱۳۱۰ (۱۳۱۰) شروع
 اجراء گشاده می شود، اهل خورش و در نیمه اول رگش می کنند. بنابر این
 در روز داد طلبی باید حاوی مراتب ذیل باشد
 اسم شخصی و اسم پدر یا اسم خانواده گی (در صورتیکه داشته باشد)
 سن مثل مسکن دار طلبی، قریب، کفایت طلبی، تمهید، اعیان و اعیان
 قانونی و اعیان داوطلبی بطور واضح
 در تشکیل هیئت نظائر و ترتیب انتخاب و آرای عمومی
 ماده ۱۸ - اعیان هیئت نظائر و ترتیب ذیل انتخاب میشود.
 انجمن بدلی دوبرابر همه که برای عضویت در هیئت نظائر لازم است
 از معاریف معلات شهر که حق انتخاب گردند دارا باشند در شهر ایروان
 داخله و در سایر شهر ها به اندازه - حوضی معرفی می کند
 وزارت داخله یا اداره - حوضی همه قانونی هیئت نظائر را مستقیم
 قریب یا حضور خودشان از بین آنها مینویسند و در هیئت نظائر بدلی
 بدلی خواهد بود
 تسمیه - در قانونی انجمن بدلی وجود داشته باشد در طهران وزارت
 داخله و در سایر شهرها اداره حکومتی معلول ملایه نوبی را اجرا میشود
 و هیئت نظائر در طهران یا حضور نماینده وزارت داخله و در سایر شهرها
 یا حضور نماینده حکومت تشکیل میشود
 ماده ۱۹ - همه اعیان هیئت نظائر در بار خود خواهند بود

۸

ماده ۲۰ - هیئت نظائر از بین خود یک نفر رئیس و یک نفر نائب
 رئیس و یک یا دو نفر منشی با اکثریت انتخاب می نمایند.
 ماده ۲۱ - هیئت نظائر در وقت محنت هر آن از اجازت بدلی است تعلیم
 مجلس در رئیس و در صورت نیت رئیس یا نائب رئیس در صورت
 مجلس همه منشی است
 ماده ۲۲ - هیئت نظائر یک ماه قبل از شروع انتخاب بدلی تشکیل میشود
 ماده ۲۳ - در وقت قبل از شروع انتخاب اعلان انتخابات بدلی از
 طرف هیئت نظائر منتشر میشود و حاوی مطالب ذیل خواهد بود
 اول - صفت و کلاهی که باید انتخاب شود
 دوم - محل و اوقات توزیع نمره و بدست آن
 سوم - محل و اوقات دعوت و روز داد طلبی
 چهارم - محل و اوقات اشد آراء و بدست آن
 ماده ۲۴ - همه هیئت نظائر در بدلی خواهد بود و در جاهاییکه
 بدلی نباشد، محل مناسبی بتصویب خود، هیئت نظائر معین میشود
 ماده ۲۵ - انجمن نظائر میتواند در صورت ضرورت در شهرهای
 بزرگ برای انجام انتخابات شعبی متعدد در نقاط مختلفه تشکیل نماید که در
 تحت نظر انجمن در گزی و طایف خود را انجام دهد
 ماده ۲۶ - نمره که انتخاب کنندگان داده میشود حاوی نمرات ذیل
 خواهد بود
 اول - نمره و تاریخ
 دوم - اسم دارنده نمره و لقب واسم خانواده گی (اگر داشته باشد)

۴

۲۸ - مامه - وقتب پادشاه - شمل - و شترل - و سن دانه پتوق
 ۲۹ - زمان و مکانیک صاحب پتوق باید حاضر شده رای شود و اینده
 ۳۰ - شرایط انتخاب نزدیکان در شهر و روزه
 ۳۱ - مقرر و اضافی اضافی هیئت نظر
 ۳۲ - شرایط انتخاب نزدیکان در شهر و روزه
 ۳۳ - مامه - مقرر و اضافی اضافی هیئت نظر
 ۳۴ - مدت توزیع تفرقه از پنج الی دوازده روز خواهد بود
 ۳۵ - مامه - پس از اتمام مدت دهن تفرقه هیئت نظر شروع به
 آراء نموده و مدت اخذ آراء از یک روز الی پنج روز خواهد بود
 ۳۶ - مامه - بعد از اتمام مدت اخذ آراء دیگر تفرقه رای از کسی
 قبول نمی شود
 ۳۷ - مامه - دامن رای گیری و محلی است و رای دعوت باید قبل از
 دوره به مجلس انتخاب مطابق عهد که در اعلان مروج است باشد
 روی کند سلیقه می باشد نوشته و پیچیده بخورد فائده باشد
 ۳۸ - مامه - روزی که برای اخذ آراء مقرر است قبل از شروع بگوشن
 از رای رای رئیس یا یکی از اعضاء جمع را که برای سبب آراء مقرر شده
 با حضور صاحب از انتخاب کندگان باز نموده خالی بود از رای و میبایست
 انتخاب کندگان پس از دوره به مجلس انتخاب نوشته رای و تفرقه شود و
 رئیس یا عضو دیگری که برای این کار مقرر شده باشد
 ۳۹ - مامه - عمومی که تفرقه را می گیرد نموده از آنرا بصورت باشد می

۱۰

خواهد که ضمن هیئت همان نموده و در وقت ثبت اسامی بنگار نموده
 تفرقه را باطل کرده به صاحب آن ده نماید و پس از آن رای را هر چه
 می اندازد
 ۴۰ - مامه - سامان تفرقه در صورت نگرانی با اختلاف تمام بخاطر
 و قاضی از محل خارج میشود
 ۴۱ - مامه - درود بعد از انتخاب از ائمه ممنوع است
 ۴۲ - مامه - هر که مدت اخذ آراء بخر رسیده رئیس شش آن را
 بصورت باید اعلام میسازد و با حضور تمام اعضاء هیئت نظر و حاضرین جمع
 آراء را در ایستگاه پیچیده لایق و مقرر نموده بهور تمام اعضاء رسانیده
 ضبط می نمایند
 ۴۳ - مامه - روزی که برای فراغت آراء مقرر است هیئت نظر بدو آ
 مدت اعمار جمع آراء را در حضور حاضرین از انتخاب کندگان بنماید
 و دیگر رئیس شروع به استخراج آراء میشود
 ۴۴ - مامه - شش هیئت نظر بنام آدرای رای را شمرده و بعد
 رای معدکال تطبیق در ایستگاه باید برده رای معدکال باشد از میان
 کلیه اوراق عهد زایدی نماند و بر فائده باطل می نماید و نتیجه در صورت مجلس
 ثبت می شود پس از آن آراء را بصورت باید و یک بپوشه دیگر در مطابقت
 اسامی مشخص ملامت می گذارند
 ۴۵ - مامه - هرگاه یک نفر بیش از یک ورقه رای داده باشد

آنکه اوراق را بلاعنه نمایند یکی از آنها را قرائت و بقیه را بطل و بصورت مجلس بنمایند.

ماده ۴۰ - هر که در اوراق رأی زیاده یا کمتر از عدد انتخاب شود کلاً نوشته شده باشد قلمی در امر انتخاب وارد نمی شود یعنی که آن عدد که زیاد تر نوشته شده از آخر خوانده میشود .

ماده ۴۱ - از اوراق رأی آنچه مندرج در آیه مجبیا معرفی انتخاب شده را بکلیه یا تمام انتخاب کننده را داشته بحد مشروط نمی شود ولی عیناً یا به ضمیمه صورت مجلس شود .

ماده ۴۲ - همیشه کتب آراء استخراج شد رئیس قلمی را بصورت بطله اعلام میدارد .

ماده ۴۳ - اوراق رأی باید فرد جهت شمار مشروط بماند رئیس از تشکیل انجمن بلندی یا حضور چند نفر از وکلای بدای محترم نمایند .

بستانهای اوراقی که ضمیمه صورت مجلس شده است ماده ۴۴ - منتخبین یا اکثریت‌شان همین می‌شوند و بصورت شدیدی آراء بصورت قرعه عمل خواهد شد .

ماده ۴۵ - صورت مجلس انتخابات را پیش جهت نظار در صورت تصویب نموده بایشان رئیس و اعضاء می‌دهد این قسمت بخار و حکمته و بعد و نسبت دیگر با کتابچه ثبت تعرفه و بصورت مجلسهای بومیه یا انجمن بدای تعلیم می شود .

ماده ۴۶ - صورت مجلس انتخابات عبارت از خلاصه عنوان انتخاب

است از بعضی کتابهای جهت نظار و شمعان آن که خدمت انتخاب و محوری عبارت قریه است .

تاریخ تشکیل هرکس نظار و ختم آن - تعیین مدت اطلاع - تعیین مدت دادن تعرفه و مدت آراء تعیین مدت اخذ آراء و تاریخ حزبها آنها تعیین عدد رأی دهنده گان - تعیین عدد انتخابی - نوعه گان و آراء آنها تعیین آراءات مشکره و زائیه - خلاصه شکایات که بر مدت حزبان انتخاب شده و بر قراری که جهت نیلگ نسبت بان شکایات داده اند - اسمای اعضاء جهت نظار و نماینده ادوات - حکومتی

ماده ۴۷ - شکایات از انتخابات مانع حزبان امر انتخاب نمی شود مگر وادیه بودن شکایات یا حزب نظار پس از رسیدگی تعیین نماینده در این صورت دو همان قلمی که موضوع شکایات است مزبور خالی در صحت حزبان انتخاب واریه آید و رفع و در صورت لزوم قرار تجدید را می‌دهد و در هر حال شرح شکایات و پیوستگی و قرار بده جهت نظار داده اند .

در صورت مجلس درج می‌شود .

ماده ۴۸ - جهت شکایات پس از ختم انتخابات تا یک هفته دیگر نیز برای دروایت شکایات رویدگی بان صلاحات خود را اعلام میدهند .

ماده ۴۹ - منتخبان از انتخابات یا از جهت نظار پس از افتتاح انجمن بلندی در طرف حلقه اول شکایات خود را با انجمن بدای تعلیم میدارند و حکم انجمن بلندی قلمی خواهد بود .

ماده ۵۰ - حق شکایات از انتخابات را اختصاص دارند که حق انتخاب کردن را دارا میباشند .

ماده ۵۱ - هیئت نظار پس از ختم رسیدگی بهنگام انتخابات هیئت انتخاب نامده ایند مراجعه و در صورت قبول وکالت آنها اختیار نامه می دهد اعتبار نامه در طهران بمصالحه وزارت داخله و در ولایات بمصالحه حاکم یا قائم مقام آن خواهد بود.

ماده ۵۲ - هرگاه یکی از انتخابات شدهگان از قبول وکالت استعفاء نماید یا قبلی از اعلام قبول فوت کند آنگهی که بعد از یو سایر اکثریت است بجای او وکیل خواهد بود ولی در صورتی که پس از قبول وکالت استعفاء یا فوت نماید اقدام به تعیین انتخابات خواهد شد.

ماده ۵۳ - انتخابات شوندهگان باید بعد از اخطار هیئت نظار در طرف یک هفته در پایتول وکالت را کتبا به هیئت نظار اعلام نمایند هرگاه در موعده مقرر اطلاع ندهند در حکم مستکف بوده و مطابق ماده (۵۲) رفتار خواهد شد.

ماده ۵۴ - سه هیئت نظار پس از دامن اعتبار نامه کتبا استناد راجعه بانقلاب را باینسین بندهی تسلیم نموده منحل می شود.

ماده ۵۵ - اسامی انتخاب شدهگان از طرف حکومت نویسه اعلان طبع و منتشر می شود.

در تشکیل انجمن بلدی و اصول وظایف و اختیارات آن

ماده ۵۶ - پس از وصول اعتبار نامه ما و صکلهای بندهی بموجب دعوت نامه حکومت در مجلس که برای آنها مقرر است حاضر و در وقت هیئت پکنار رئیس هیئت را بندهی خود را که عبارت از یک نفر رئیس

ویک یا دو نفر متشین باشد بطور موقت مبین و اختیار نامه ما رسیدهگی و در طرف دو هفته برای خود را در صحت و سلم آن اظهار میبازند.

ماده ۵۷ - انتخاباتی که پیش بر تعیین و تطبیق و بر حلالی مقررات قانون بعمل آید باشد از درجه اعتبار سابق و امر به تعیین خواهد شد.

ماده ۵۸ - وقتی که صحت اعتبار نامه ما رفع از وکالت سایر تعیین شده انتخابات هیئت رئیسه و قائمی شروع می شود.

ماده ۵۹ - هیئت رئیسه قائمی عبارت است از یک نفر رئیس و یک یا دو نفر نائب رئیس و یک یا دو نفر متشین که برای مدت دو سال انتخابات می شوند.

ماده ۶۰ - رئیس انجمن که در وقت بندهی را قبیر عهده دار است و مرتباً قبول انتخابات و مقررات می شود انجمن بلدی میو یا مدخر از وکالت انجمن را یکی برای این علم در نظر گرفته برای محض انتخاب و وزارت داخله پیش نهاد می نماید وزارت داخله بکسفر از بین آنها بر مبادت هیئت مشورت می کند انتخاب رئیس بلدی در پایتخت و کرسی های ایالات بموجب فرمان مهربانی و در سایر شهرها بموجب حکم وزارت خواهد بود.

ماده ۶۱ - وکالتی بلدی قبل از شروع اجرائی و تا بوقت تمام شدن می کنند که کمال رأی می رود پس موافق قانون نگارانت خود را اعلام نمایند.

ماده ۶۲ - هر گاه یکی از وکالتی بلدی در دوره تصدی خدمت بمحکم بجنحه یا جنایتی بنویسد بمحکم انجمن از عضویت انجمن منصل خواهد گردید.



۱۷ - تصویب تغییرات در نقشه مطابق فقره ۶ از ماده اول
 ماده ۳۹ - انجمن بلدی در هر ماه یک نوبت متعقد و در هر مرتبه
 حداقل دو جلسه شورای خواهم داشت و در صورت لزوم بطور فوق‌العاده
 نیز تشکیل میگردد
 ماده ۷۰ - امور رایجه بانجمن بلدی بموجب اظهار اشخاص ذیل
 طرح می شود
 ۱- بتکلیف رئیس بلدیہ بطوکلای بلدی
 ۲- بموجب اظهار کشیک حاکم محل
 ۳- بموجب اظهار اشکایت اشخاص متضرره
 ماده ۷۱ - انجمن بلدی در آخر جلسه هر نوبت دستور جلسات
 نوبت آینده را معین می کند
 ماده ۷۲ - انجمن بلدی برای سهولت انجام وظائف کمیسیونهای
 از اعضاء خود انتخاب مینماید و کمیسیونها باید قریبه ممالکات خود را
 کتبا بر رئیس انجمن راپورت دهند
 ماده ۷۳ - مذاکرات انجمن در هر نوبت محدود است بدستورادگی
 در نوبت قبل همین شده و از رسیدگی به راپورت کمیسیونها در صورت پیشداد
 عمل از اعضاء و تصویب انجمن معکن است در موضوعات دیگر تفریحت
 ومذاکره شود
 ماده ۷۴ - در موارد لازمه رئیس می تواند از اشخاص خارج از
 انجمن برای دادن توضیحات دعوت نماید در این صورت اشخاص مزبور
 فقط مکلفند بمسئلات رئیس جواب دهند

ماده ۷۵ - جلسات انجمن با حضور دوثلث ازانعضاء رسمیت حاصل
 نموده و با حضور سه ربع از اعضاء حاضره اخذ رأی میشود
 ماده ۷۶ - در رأی انجمن اکثریت نام منوط است و هرگاه در
 دو نوبت اکثریت نام حاصل نشود با اکثریت نسبی عمل خواهند شد
 ماده ۷۷ - جلسات ورای انجمن علنی است ورای مخفی در صورتی
 گرفته میشود که یک ثلث از وکلای حاضره تقاضا نمایند
 ماده ۷۸ - از فرای داد های انجمن آنچه را که اطلاع آن برای
 حکومت محل لازم است انجمن بلا واسطه صورت آفرا برای حکومت محل
 میفرستد که آنچه برای اطلاع اهالی لازم است حکومت بوسیله اعلان
 طبع ونشر نماید
 ماده ۷۹ - انجمن بلدی در آخرین نوبت انعقاد خود در هر سال
 بودجه سال آینده بلدی را تصویب میکند
 ماده ۸۰ - صورت مذاکرات هر جلسه و قرار داد ها طبقه انجمن
 بلدی بردهند در دفتر مخصوص ثبت شده و ابامضاء اعضاء حاضره و رئیس
 می رسد نوشتن صورت مجلس و ثبت قرار داد ها در دفتر مخصوص به
 عهدی منتهی انجمن است
 ماده ۸۱ - از قرار داد های انجمن بلدی آنچه باید باطلای
 حکومت یا وزارت داخله برسد بعد از امضاء بوقع اجرا گذارده میشود
 ماده ۸۲ - کپی قرار داد های انجمن بلدی بامتنای آنچه راجع
 بامور داخلی انجمن و اداره بلدی است باید با امضای حکومت محل رسیده



۱۹

بسی از آن بی‌سوغ اجرا نگاشته میشود
 ماه ۸۳ - من که حاکم افراسیاب را در انجمن بلدیة موافقت حاصل
 نمایانید چه علم موافقت خود را با انجمن اظهار و انجمن را تقاضای
 و نهایت در صورتیکه انجمن موافقت نمود حاکم مرآت را بوزارت داخل
 مراجعه می نمایانید وزارت داخله در صورت موافقت باقرار داد انجمن رأی
 را تخطی می نمایند و الا مرآت را بهیئت وزراء مراجعه می کنند و
 رأی هیئت وزراء قلمی خواهد بود
 فصل چهارم
 در تشکیل قسمت اداری بلدیة واسول و هیئت آرای
 ماه ۸۴ - قسمت اداری بلدی که اداره بلدیة قاپده مخصوص
 است از رؤسای شعب اداری - شورای اداری و مستخدمین بلدی
 ماه ۸۵ - تقاضای تشکیل و وظایف اداری بلدی را انجمن
 بلدی تصویب نمیکند
 ماه ۸۶ - دربار بلدی من تازگی طرح های قانونی را راجع به
 وظایف مغرور خود با انجمن تقاضای وین از تصویب بی‌سوغ اجری نگذاشتند
 این طرح تازگی بود - رئیس انجمن تعلیم میفرمود
 ماه ۸۷ - معلول اداری بلدی بهیئت مرآت بلدی و تکمیل در داخله
 بیکی بلدیة بلدیة معمول می شود معاینه عریضه رئیس بلدی
 از دربار بلدی خواهد بود
 ماه ۸۸ - عریضه رؤسای شعب اداری بر سره اولی بلدیة بلدی
 در انجمن بلدیة بلدی و داخله و سایر اجراء اداره افراسیاب به پیشنهاد رئیس

۲۰

رئیس مستقیم آریا و حکم رئیس بلدی خواهد بود
 ماه ۸۹ - شورای اداری بلدی من که است از رؤسای شعب اداری
 اولی و سایر بلدی من بلدیة بلدی من مشاوره در امور بلدیة بلدی من
 بلدی من تشکیل میدهد و منگنی است در موارد مهم بیشتر نیز تشکیل گردد
 ماه ۹۰ - برای معاینه انجمن بلدیة بلدی من تحقیق اداری
 من جهت رعایت رئیس بلدیة تشکیل بشود و من که خواهد بود از انصاف
 شورای اداری و معاینه انجمن بلدی
 شهر من در مواردی که شخص من از اشخاص موصوف در بلدی (۸۸)
 باشد در مجلس تعیین اداری صورت خواهد داشت
 ماه ۹۱ - مجلس تعیین اداری بلدی من خود را عریضه انجمن من
 را بوزارت منگنی منگنی در مورد انصاف بلدی من حکم وزارت داخله منسوب
 شد و از ترازات داخله و منگنی بلدی من منسوب شد و بلدی من
 بلدی من منگنی بلدی من منگنی بلدی من منگنی بلدی من منگنی بلدی من
 شد و بلدی من منگنی بلدی من منگنی بلدی من منگنی بلدی من منگنی بلدی من
 اجراء نگاشته میشود
 ماه ۹۲ - در مورد تعیین مستخدمین جزء و سایر منگنی بلدی من
 با رؤسای بلدی من انصاف آنها در رئیس بلدی بلدی من خواهد بود
 ماه ۹۳ - در موقعیکه منگنی بلدی من در اجراء امور منگنی بلدی
 لازم باشد رئیس بلدی من طهران بوزارت داخله و در سایر شهرها خواهد
 حکم من مراجعه می کنند

ماده ۹۴ - اداره بلدیہ صورت جامعی از کتب اموال متقوله و غیر متقوله متعلقه بشهر ترتیب میدهد و هر شش ماه یک مرتبه صورت حساب بلدیہ را بضمیمه راپرت اقدامات خود باجمعن تقدیم می کند

ماده ۹۵ - رئیس بلدی ارایج پیش نهادی انجمن بلدی را برای تقدیم بمجلس شورای ملی بوزارت داخله ارسال میدارد

ماده ۹۶ رئیس واعضاء اداره بلدیہ مستخدمین وزارت داخله محسوب وتابع مقررات قانون استخدام خواهند بود

ماده ۹۷ - رئیس بلدیہ ومعاون او واعضاء ومستخدمین اداره بلدیہ دارای لباس وعالایم مخصوص هستند که بموجب نظامنامه علیحدہ که از تصویب وزارت داخله می گذرد معین خواهد شد

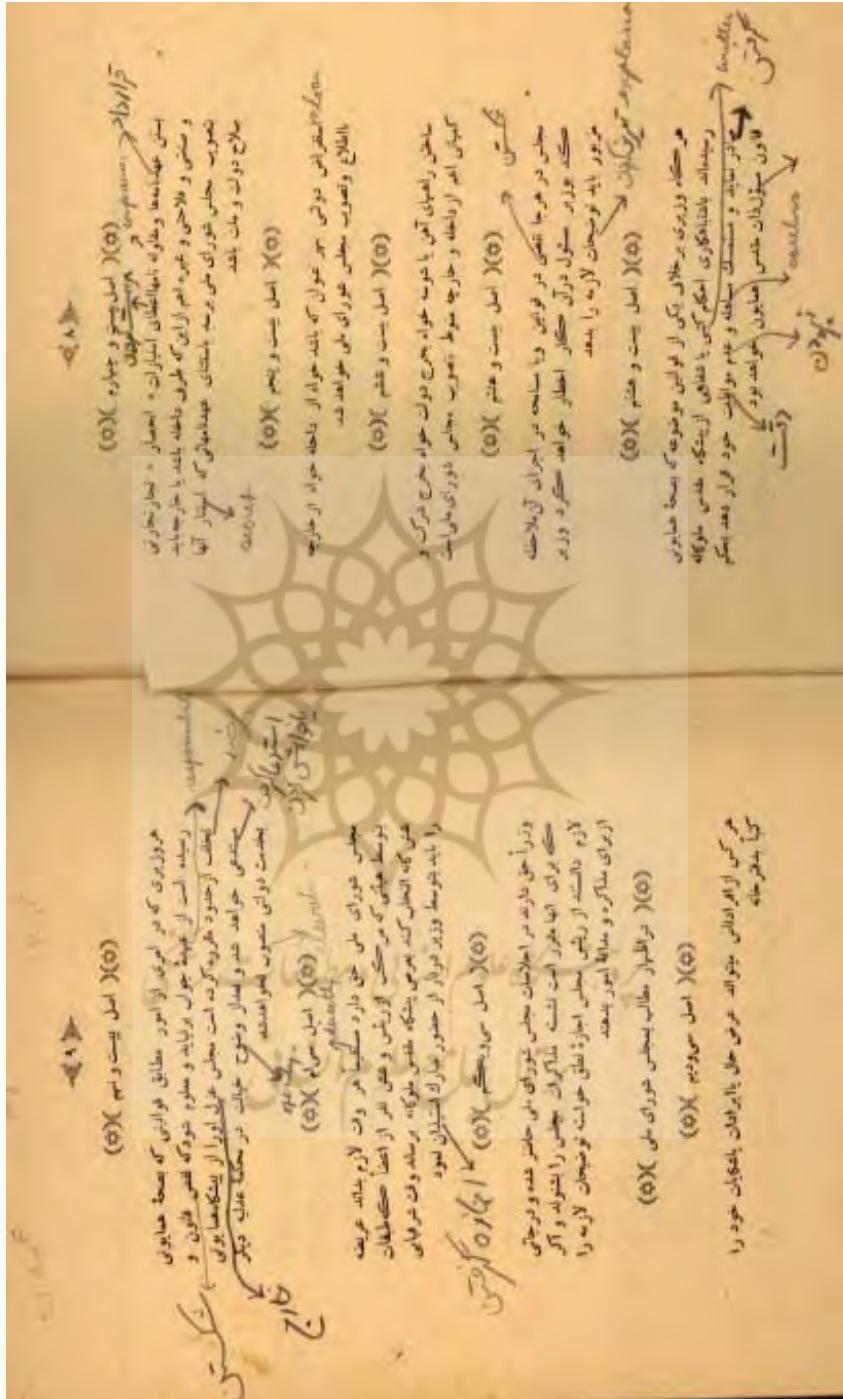
ماده ۹۸ قانون بلدیہ مصوبه بمجلس شورای ملی از تاریخ تصویب این قانون ملئی ومنسوخ خواهد بود

ماده ۹۹ وزیر داخله مامور است پس از یک ماه از تاریخ تصویب این قانون موجبات اجرای آن را در طهران و پس از سه ماه در سایر ولایات فراهم سازد مخبر کویچون محمد حسین نماینده کرمان

تاریخ طبع ۱۵ میزان ۱۳۰۱



پیام بهارستان / ۲۵، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰



(۱) اصل بیت و نیم (۱۰)

مردوزیری که در لیرود (آمنور) مطابق قوانین که بصفت حجابی
 رسیده است از عهده جوار بریاید و مطروه خود که نفسی قانون و
 بخت از خود هرود کرده است مجلس عریک خود را از پیشگاه صافی
 چشمی خواهد شد و ایام و منوع حجاب در حلقه مدک خیر
 بخت دولتی مشور لیرودند

(۲) اصل سیم (۱۰)

مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم باشد عریضه
 توسط مجلسی که مرتکب گزینش و عمل بر از اعضا حکمات
 حق که انحصار کند بعموم پیشگاه ملوکا، برساند و در شرایط
 را باید توسط وزیر تواری از حضور چارک لیرودان بود

(۳) اصل سید و کیم (۱۰)

وزرا حق دارند بر اجلاس مجلس شورای ملی حاضر شده و فرجه
 سکه برای آنها مختار است نسبت ملاکرات مجلس را بشنوند و اگر
 لازم داشتند از رئیس مجلس اجازه تلقی خواست توضیحان لازم را
 از برای ملاکرت و مدافعا امور بدهند

(۴) شرایطار مطالب مجلس شورای ملی (۱۰)

(۵) اصل سید و نیم (۱۰)

مهرکسی از امرادانی نتواند عرض حال یا ایرادان یا بجهان خود را
 سباً بدهد حانه

(۶) اصل بیست و چهارم (۱۰)

تاریخچه...
 استی همایند و مطرب: با مالکشان امیارات - انصار - نهار جاری
 و منشی و لاجبی و غیره هم از آن که طرف داخل باشد یا خارج باشد
 شعوب مجلس شورای ملی برسد باستانی عهدنامه که ایستار آنها
 علاج دولت و ملت باشد

(۷) اصل بیست و پنجم (۱۰)

مهرکسی که بخواهد عرض خود را داخله خواهد از خارج
 اطلاع و تصویر مجلس شورای ملی خواهد شد

(۸) اصل بیست و ششم (۱۰)

مجلس راهبانی آتش یا شوم خواهد بخرج دولت خواهد بخرج شرکت و
 کمپانی هم از داخله و خارج به صورت شعوب مجلس شورای ملی است

(۹) اصل بیست و هفتم (۱۰)

مجلس در هر جا تقاضی شو قوانین و یا مساجد غیر ایرانی آن داخله
 سکنه عذر استول در آن سکنار اطلاع خواهد سکنه و در
 مزبور باید توضیحان لازم را بدهد

(۱۰) اصل بیست و هشتم (۱۰)

مهرکسی که بخواهد عرض خود را داخله خواهد از خارج
 اطلاع و تصویر مجلس شورای ملی خواهد شد

مهرکسی که بخواهد عرض خود را داخله خواهد از خارج
 اطلاع و تصویر مجلس شورای ملی خواهد شد



۱۱

مذاکرات را که صلاح بدانم بتلاخ نموده رسانده لکن اگر مجلس هجرانه
تقاضای ویزی بوده است اقتضای مداخلت موقوف بهیاز آن
وزیر است

اعمال سی و هشتم

مرکز از وزیران میگرداند مجلس را که مجلس اظهار کرده در هر درجه
اوردیانت که باشد نیز در آن گنجه که آنکه اظهار ایشان تظلماتی مجلس بوده
باشد در استیفاء استیفاء داد قطعی موقوف بواقف مجلس است

اعمال سی و نهم

مرکز لایحه ویزی در مجلس موقوف بوقت نبات ضمن تلامعات مجلس عیونت
داده میشود بر مبنای آن در روز قبولی ایران مجلس میتواند لایحه در مورد
را در قالی مجلس اظهار بدارد

اعمال سی و دهم

بعضای مجلس انجمنی ملی باید در آن قولی مطلب را صریح و واضح
اظهار بدارد و احدی حق ندارد ایشان را تحریص بپندید در دادند برای
خود نباید اظهار رد و قبولی بعضای مجلس باید شمس باشد که روزگرم
ویس و ناخانی هم بمانند اینرا میکنند یعنی باید آن اظهار ملاقات
ظاهر می باشد از قبل لوری مکتوب و سید و انشال آن

۱۲

ترامیس مجلس عربت ندارد اگر مطلب واضح بخورد مجلس باید جدول
کلی باوجود آن داد و چنانکه مطلب واضح یکی از وزارت خاندانست
بدان وزارت نگاه خواهد فرستاد که رسیدگی نماید و جدول یکی بنده

اعمال سی و یازدهم

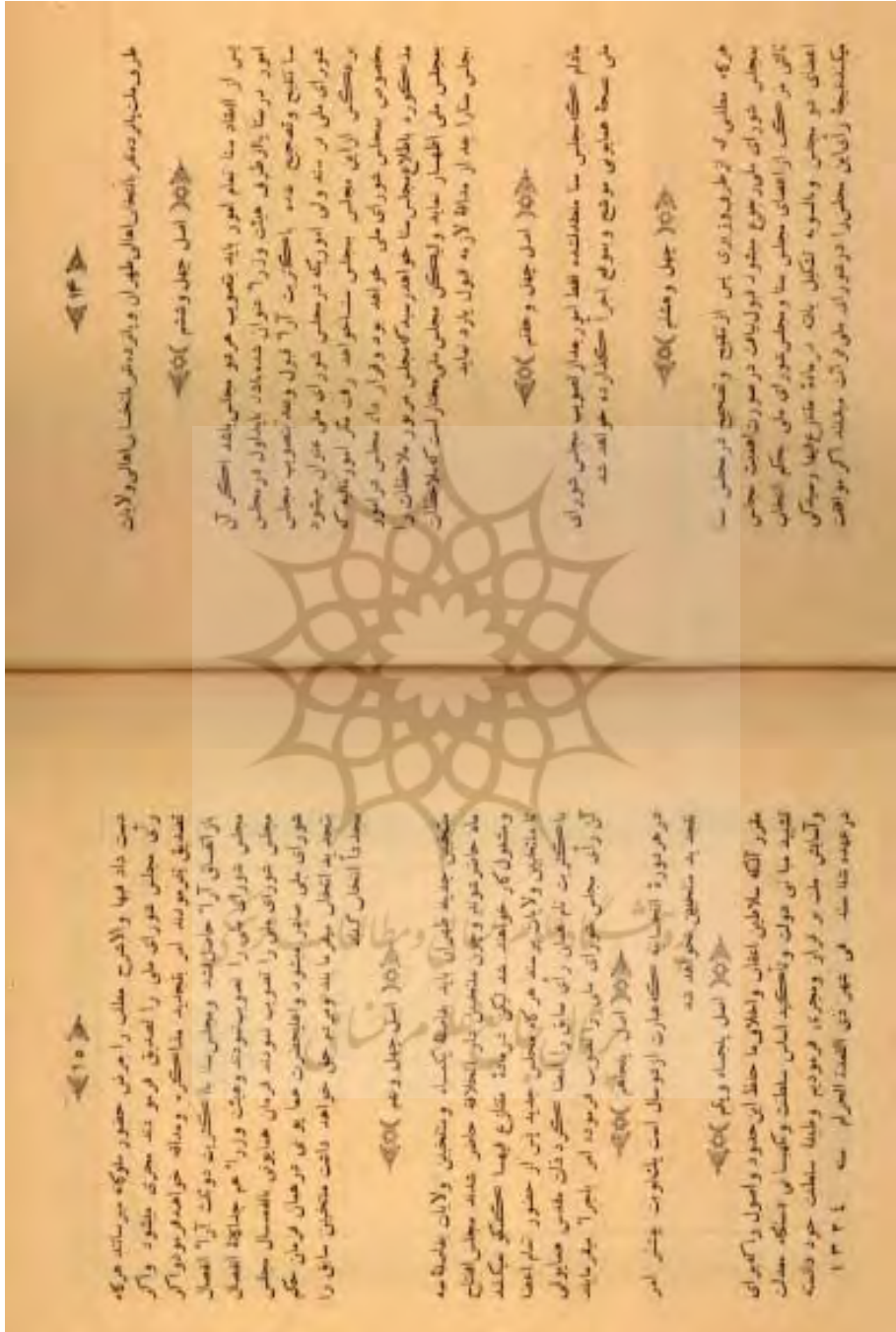
قوانین جدیدی که محل حاجت باشد در وزارت خانه های مسئول التا
و تعلق بانه بنوسط وزیران مسئول بالظرف مندر اعظم مجلس شورای
ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب مجلس بصفا هایایی مروج
مکتوبه بیواج اجرا مکتوبات میشود

اعمال سی و بیستم

رئیس مجلس بنوبه بر حسب لزوم تماماً یا جزواضی در نظر از اعتبار
مجلس با وزیران اجلاسی همراه شون حضور روزی ویس و خاندانی
یا انجمن هجرانه مرکز از عند متناهی از اعتبار بعضی شکل بعضی
مدیر انجمن مجلس حق حضور در آن داشته باشد لکن نتیجتاً مذاکرات
انجمن هجرانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس هجرانه با حضور
روح از متعین مطرح مذاکره شده با کثرت آن قبولی توادار مکتوب
در مذاکرات انجمن هجرانه قبول شده در مجلس عنوان بخواهد شد و
مکتوب نه خواهد ماند

اعمال سی و یکم

اگر مجلس هجرانه بنام استیفاء رئیس مجلس بوده است حق دارد هر مذاکره



﴿ ۱۵ ﴾

سخت داد و بها و الا شح مطلق را برش حضور ملوکة سربازند هرگاه
 رای مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند معزیت بشود و اگر
 تصدیق نفرمودند امر تشدید مذاکرات و مذاقه خواهد بود و اگر
 از اصرار آنرا حاکمانند و مجلس سا با اکثریت توکلت آنرا فصل
 مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و عین وزیراً هم چنانکه افعال
 مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان هدایتی بمجلس
 شورای ملی صادر بشود و اینصورت معاً بی بی ترهال فرمان حکم
 تشدید بد انگار میگرداند و پیوسته حق خواهد داشت متعین ساقی را
 مجدداً انتخاب کنند

﴿ اصل چهارم و پنجم ﴾

متعین جدید طهران باید بارها کسب و متعین ولایت فارس به
 مدد حاضر شوند و چون متعین بار (احلاف حاضر شده مجلس اقل
 و مشمول کار خواهند شد تا یکی از مدته متنازع آنها تشکیل میگردد
 تا متعین ولایت فارس به هرگاه مجلس جدید این از حضور تمام آنها
 با اکثریت نام نمایان رای ساقی و آنها تشکیل دقت مدنی میبوی
 که رای مجلس شورای ملی را تقویت فرموده امر بهر آن میگرداند

﴿ اصل پنجم ﴾

فره فرموده انتخاب متعینات از توسل است بنا بر صورت پیشتر امر
 تشدید بد متعین خواهد شد

﴿ اصل پنجم و ششم ﴾

مطور آنگاه سلاطین انظار و اخلاق یا حفظ این حدود و اصول را که برای
 تشدید ما بی دولت و تأکید اساس سلطنت و کعبه بی سنگه مدان
 و آرایش ملت بر فراز و جریه فرمودند و بدینا سلطنت خود داشتند
 ۱۳۴۱

﴿ ۱۴ ﴾

طرف ملت با همه انصاف اهل طهران و باره در انتخاب اهل ولایت

﴿ اصل چهارم و پنجم ﴾

پس از انعقاد منا تمام امور باید تصویب فرموده مجلس باشد اکثر آن
 امور در صورتی که عینت وزیراً عنوان شده اند باید اول در مجلس
 سا تصویب و تصدیق شده با اکثریت آنرا قبول و بعد تصویب مجلس
 شورای ملی بر سنده و رای آنرا که در مجلس شورای ملی عنوان میشود
 بر اکثریت از این مجلس مجلس سنا خواهد بود و رای غیر آنرا که
 مخصوص مجلس شورای ملی خواهد بود و رای داد مجلس بر تکرار
 مذاکراته با تمام مجلس سا خواهد بود که مجلس بر تکرار مذاکراته
 مجلس ملی اظهار سلبه و اینصورت مجلس ملی مختار است که با اختلاف
 مجلس سنا را بعد از مذاقه لازمه قبول یا رد نماید

﴿ اصل چهارم و پنجم ﴾

مدام حکم مجلس سا منتهی به فقط امور مدار تصویب مجلس شورای
 ملی صحه هدایتی موضح و بموجب امر با اکثریت خواهد شد

﴿ اصل چهارم و پنجم ﴾

هرگاه مجلس که از طرف فرموده این از تصویب و تصدیق در مجلس سا
 مجلس شورای ملی طرح میشود قبول یا رد در صورتی که
 آنگاه بر حکم از افعالی مجلس سا و مجلس شورای ملی حکم انجلس
 افعالی در مجلس و انصوب تشکیل یافت بر دهانه متنازع آنها و سبکی
 یکسانیت را اینا مجلس را در صورتی که ملی در آن بدینند اگر بخواهد





متنهایی که مطلع از قضایای زمان هم باشد یا بطریق که قضایای اعلام و حجج اعلام موجب قیامش است یا نسبت امر از خدا که برای مصلحت مکتوب باشد معنی معنی شورای ملی بنیاد است بیخ غیر از الهیها بیشتر بنقلاتی عصر اقصای مجلس شورای ملی بالاتفاق با حکم فرقه کتیبان آمده است مصیبت بنامند تا مواردی که مجلس شورای ملی بنام مکتوب و غیره آمده است هر یک از آن برای مکتوبه که مخالفت با قواعد مقدسه اعلام داشته باشد طرح ورد نمایند که شورای قانونی پیدا نکند و برای این هیئت شایسته ترین است مطلع و منبع خواهد بود و این ماده لازم است ظهور حضرت حجج عصر جعل الله فرجه کثیر باین خواهد بود.

(۵) اصل سیم (۵) حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و شوکت آن

تغییر باین نیست مگر بموجب قانون

(۵) اصل چهارم (۵) برای نخب ایران طبرستان است

(۵) اصل پنجم (۵) قانون رسمی تفریق ایران سبز و سفید و سرخ و جلالت

عین و خورشید است

(۵) اصل ششم (۵) جان و مال اتباع خارج زمین خاک ایران مایهون و

محمول است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثنا میکند

(۵) اصل هفتم (۵) اصل شروطین جزا و کلاصل برادر نیست

حقوق ملت ایران

(۵) اصل هشتم (۵) اعمال مملکت ایران بر عاقل قانون دولتی مملکتی حقوق خواهد بود

(۵) اصل نهم (۵) افراد برود از جهت جان و مال و مسکن و شهری

محمول و معنون از مروج عرض هستند و شهرت امدی نمیتوانند مگر حکم و ترتیب قوانین مملکت سبز می باشد

(۵) اصل دهم (۵) غیر از موافق ارتکاب جنم و عذابان و تقصیران عهده

(۵) اسم الهی الرحمن الرحیم (۵)

امور که برای تکمیل قوانین اساسی شروطین دولت مملکت ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهارم شهریور سنه ۱۳۲۶ تصویب گردید مقرر شده است مقرر شده است مقرر شده است مقرر شده است مقرر شده است مقرر شده است

کتاب

(۵) اصل اول (۵) منصب رسمی ایران اعلام و طریقه حد بنظره التی

عشره است باید باینجه ایران دارا و مروج این منصب باشد

(۵) اصل دوم (۵) مجلس شمس شورای ملی که به نوبت از نایب حضرت

اسام عصر جعل الله فرجه و برحمت الهی حضرت خاندان اعلام خدا الهی است

و مراتب حجج اعلام مگر الله اعلم و عاده ملت ایران نایب شده است

باید بر مروج عصری از اصحاب بود قانونی آن مخالفت با قواعد مقدسه اعلام

و قوانین موصوفه حضرت غیر الامم صلوات الله علیه و آله و سلم داشته باشد

و معنی است که انجمن مخالف قوانین موصوفه بالوفاقیه اعلام بر عهده

قضای اعلام اعلام الله برکت وجود هم بود و هست لهذا رسا مقرر است بر هر عصری از اصحاب حقی که کمتر از پنج نفر باشد از متقدمین و قدامی



همچنین را نمیتوان فوراً مستگیر نمود مگر حکم کتبی رئیس حاکم هدیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید کتبا، مفسر فوراً یا کتبی در طرف بست و چهار ساعت با اطلاع و اشلار شود

۱۵) اصل یازدهم (۱۹) همچنین را نمیتوان از حکمتی که باید در باره او حکم کند منصرف کرد، مگر با حکم دیگر رجوع دهد

۱۶) اصل دوازدهم (۲۰) شکوه اجرای هیچ مجازاتی نمیتواند مگر بموجب قانون

۱۷) اصل سیزدهم (۲۱) منزل و جای هر کس که در حلقه و اشلار است در هیچ سگی مهر آستوان داخل شد مگر حکم و ترخیص که قانون مقرر نموده

۱۸) اصل چهاردهم (۲۲) هیچکس از اربابان را نمیتوان هم بد یا منع از اهلش در محلی یا مجبور بایست محل همین سوره مگر در مواردیکه قانون استثنای میکند

۱۹) اصل پانزدهم (۲۳) هیچ سگی را از تصرف صاحب مالک نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تائید قیامت عاده است

۲۰) اصل شانزدهم (۲۴) ضبط اموال و اموال مردم بعنوان مجازات و سزا نیست ممنوع است مگر حکم قانون

۲۱) اصل هجدهم (۲۵) ضبط مالکین و متصرفین از اموال و اموال متصرفه ایشان غیر عنوان که باینده ممنوع است مگر حکم قانون

۲۲) اصل هجدهم (۲۶) تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنکه ترعا ممنوع باشد

۲۳) اصل نوزدهم (۲۷) تأسیس مدارس بخارج دولتی و ملی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و معارف باید در تحت ریاست عالی و مراهبت وزارت علوم و معارف باشد

۲۴) اصل بیستم (۲۸) خانه مطلوبان غیر از کتب ملال مواد معصومه بسین مین آزاد و مسیری در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی معارف قانون باشد باطل و باطلها مشاهده شود نشتر دهده باقی بماند بر طبق قانون مطلوبان

مجازات میشود اشکری نوسنده معروف و تعلیم ایران باشد بشرط و طایع و موزع از هر کسی ممنوع هستند

۲۵) اصل بیست و یکم (۳۱) اجتناب از ایشاد خانه بود که دینی و دیهون و محل نظم یافته در تمام مملکت آزاد است ولی محضین با خود ایشاد نباید داشته باشند و نیز قیامی را که قانون در خصوص مقرر میکند باید رعایت نمایند

۲۶) اصل بیست و دوم (۳۲) بر اهلان پیشی که ممنوع و از ضبط و تکلیف ممنوع است مگر در مواردیکه قانون استثنا میکند

۲۷) اصل بیست و سوم (۳۳) افتخار و دست معظرات شکرانی بدون اجزای معاصر دیگران ممنوع است مگر در مواردیکه قانون همین میکند

۲۸) اصل بیست و چهارم (۳۴) نایب خارج نمیتواند قبول تعینت ایران را بجاگاه قبول و خان آنها بر زمین و صنایع آنها از تعینت بموجب قانون جدا گانه است

۲۹) اصل بیست و پنجم (۳۵) تریه لایقوزی دولتی در مقصودات راجحه متعلق آنها محتاج تحصیل اجزاء نیست مگر در حق و در آنکه رعایت قوانین مخصوصه در این باب باشد شود

قوانین ملکی

۳۰) اصل بیست و ششم (۳۶) قوان مملکتی اقلی از ملک است طرفه التمسال آن هو را قانون اساسی ممن می نماید

۳۱) اصل بیست و هفتم (۳۷) قوان مملکت سه قسمه مجزیه میشود اول- قوه ملکه که مخصوص است موزع و بدست قوانین و این قوانین میشود از اجلی حضرت شاهنشاهی و محض شوری ملی و محض سارا هر یک از این سه مانا حق التا قانون را دارد ولی اشکرا آن مو تصرف است بهم مخالفت با قوانین شریع و مقصود محاسب و تولید همه حاکمانی لکن وضع و تقوی

قوانین را جهت بدخل و خرج مملکت از مختصان مجلس شورای ملی است
 خرج و نظیر قوانین از وظایف مختصاً مجلس شورای ملی است
 (دوم) قوه قضائیه و جنبه که عبارت است از تفسیر حقوق و این قوه
 مخصوص است بصلاحی که بر طرفین و مسامک عمده در مریات
 (سه) قوه امپراتوریه مخصوص پادشاه است پس قوانین و احکام توسط
 دربار و مامورین دولت بلامتنی اعلیحضرت عالیجاهی اجرامش شود. برینس که
 قانون مجلس می‌کند
 (چهارم) اصل است و هشتم (نهم) قوای لایحه ضروریه همیشه از یکدیگر ممتاز و
 مستقل خواهند بود
 (دهم) اصل است و نهم (دهم) منابع مخصوصاً هر ایالت و ولایت و بلوک
 مشغول الضمانی ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصاً آن برترب و مشغول
 و معهود

حقوق اصناف مجلس

(اول) اصل سیام (دوازدهم) کلیه مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرفین تمام
 ملت و کانت دارند به حفظ از طرف طلیان مردم با ایالات و ولایات و بلوکها که
 ایاز انصاف نموده اند
 (دوم) اصل سی و یکم (بیست و یکم) بکلیه سینه‌نامه در زمان واحد عضویت هر دو مجلس
 را دارا باشد
 (سوم) اصل سی و دوم (بیست و دوم) چنانچه یکی از وکلا در ایازان دولتی موفقی
 می‌شود از عضویت مجلس مشغول می‌شود و مجدداً عضویت او در مجلس
 موقوف به استعفا از نخل دولتی و انضاف از طرف ملت خواهد بود
 (چهارم) اصل سی و سوم (بیست و سوم) هر یک از مجلسین حق تحقیق و تفتیش در امر
 امری از امور مملکتی دارند
 (پنجم) اصل سی و چهارم (بیست و چهارم) مذاکرات مجلس سنا در مکتب انصاف مجلس
 شورای ملی بی نتیجه است

حقوق سلطنت ایران

(اول) اصل سی و پنجم (بیست و پنجم) سلطنت و ریاست است مطلق (موهبت الهی)
 از حقوق ملت شخصی پادشاه می‌شود
 (دوم) اصل سی و ششم (بیست و ششم) سلطنت مشروطه ایران در شخص اعلیحضرت
 شاهنشاهی سلطان می‌شود. قضاوت قضاوت سلطنت و انتخاب ایشان بلامنته
 درقرار خواهد بود
 (سوم) اصل سی و هفتم (بیست و هفتم) ولایت عهدیه در صورت قصد اولادیه پس از
 پادشاه که مندرجاً از اصل شاهنشاهی پادشاه میرسد و در صورتیکه زنی
 پادشاه اولاد نکو کند پادشاه آنرا خلافت سلطنت ایران را برترب الاقرب و زبیه
 ولایت عهدیه پادشاه می‌شود و هرگاه در صورت ضرورت بوق اولاد نکوئی زنی
 ایضا وجود آید سلطنت ولایت عهدیه خواهد رسید
 (چهارم) اصل سی و هشتم (بیست و هشتم) در بوق انتقال سلطنت و ایجاب وقتی می‌شود
 مختصاً بامور سلطنت را تصدی شود. این امر بوجهه سال الخ پادشاه چنانچه بون
 سی رسیده باشد باصطلاح جهت مختصاً مجلس شورای ملی و مجلس سنا ذی
 سلطنت برای او انتخاب خواهد شد. همچنین بیکدیگر رایج شود
 (پنجم) اصل سی و نهم (بیست و نهم) هیچ پادشاهی رتبت سلطنت نمی‌تواند جلوس کند
 مگر اینکه قبل از نامگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود یا حضور انصاف
 مجلس شورای ملی و مجلس سنا و جهت وزراء برار درین قسم یاد نماید
 در خداداد قاهر مثال را گوئی بکلام اتمسید و باینجه زده خدا عزیز است
 قسم یاد یکدیگر که تمام هم خود را مشغول حفظ استقلال ایران نموده جنود مملکت
 و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران کنونی
 و بر طبق آن و قوانین مقررده سلطنت تمام و در بزوج مملکت جبری استی



که در قوانین مشروطیت حاضر شرح شده

﴿ راجع بوزراء ﴾

﴿ اصل پنجاه و هشتم ﴾ هیچکس نتواند بتمام وزارت رسد مگر آنکه مسلمان و ابرق الامل و بیع ابران باشد

﴿ اصل پنجاه و نهم ﴾ شاهزادگان طینة اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نتوانند بوزارت منتخب شوند

﴿ اصل شصتم ﴾ وزراء مسؤل مجلسین هستند و در هر موردیکه از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت باموریکه محول بپادشاهت حدوده مسؤلیت خود را منظور دارند

﴿ اصل شصت و یکم ﴾ وزراء علاوه بر اینکه بتسهائی مسؤل مناسط محفیه وزارت خود هستند بیست اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسؤل و شایع اعمال یکدیگرند

﴿ اصل شصت و دوم ﴾ عهد و وزرا را بر حسب اقتضا قانون مین خواهد کرد

﴿ اصل شصت و سیم ﴾ لقب وزارت اقتضای بکلی موقوف است

﴿ اصل شصت و چهارم ﴾ وزراء نتوانند احکام نقضی بکنند پادشاه را مستسک قرار داده سلب مسؤلیت از خودشان بنمایند

﴿ اصل شصت و پنجم ﴾ مجلس شورای ملی با سائمی نتواند وزراء را در تحت مؤاخذه و محاکمه در آورد

﴿ اصل شصت و ششم ﴾ مسؤلیت وزراء وسایق را که راجع بآنها میشود قانون مین خواهد نمود

﴿ اصل شصت و هفتم ﴾ در صورتیکه مجلس شورای ملی بانجاس سائ اکثریت نامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء باموریکه اظهار نمایند آن هیئت با آن وزیر از مقام وزارت منقول میشود

﴿ اصل شصت و هشتم ﴾ وزراء موظفان نتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهد بگیرند

﴿ اصل شصت و نهم ﴾ مجلس شورای ملی بانجلس سائقه وزیر را در محضر دیوانخانه نیز عنوان خواهد نمود و دیوانخانه مزبوره بانحضور تمام اعضاء مجلس عاقلت دائره خود محاکم خواهد کرد مگر وقتیکه بموجب قانون اتمام واقعه دعوی از دائره ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارج و راجع بخود وزیر باشد

﴿ نکیه ﴾ دادایک محکمه نیز تشکیل یافته است هیئت منتخب از اعضاء مجلسین بمده مشاوره نالی بآب محکمه نیز خواهد شد

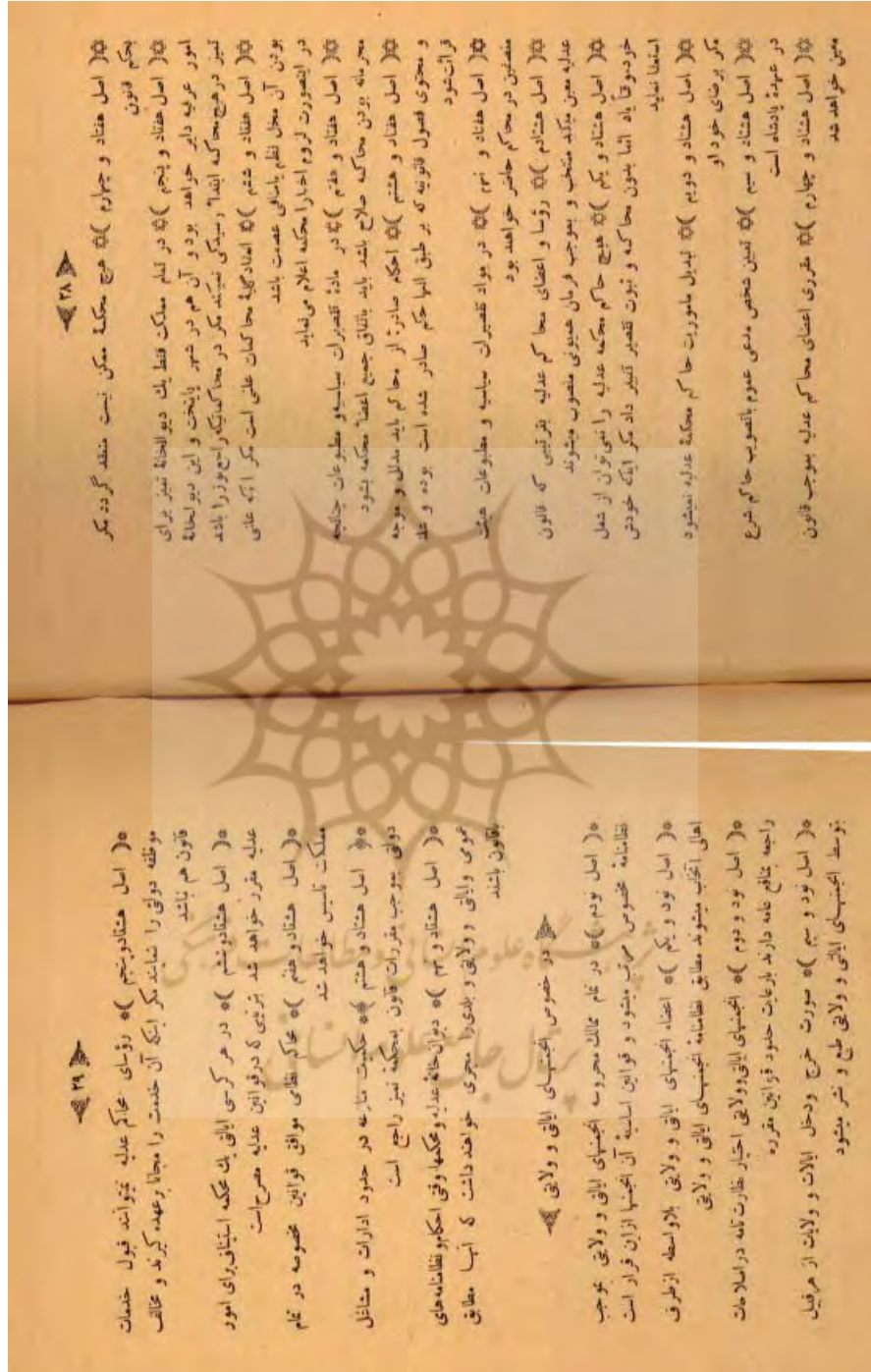
﴿ اصل هفتادم ﴾ تعیین تقصیر و مجازات وارده بوزراء در موقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی بانجلس سائا شوند و پادشاه امور اداره خود بخارج الهامات شخصی مدعیان کردند بموجب قانون مخصوص خواهد بود

﴿ اقتدارات محاکمان ﴾

﴿ اصل هفتاد و یکم ﴾ دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی نظامان عمومی هستند و تضاموت در امور شرعیه باعد ول مجتهدین جامع التریاط است

﴿ اصل هفتاد و دوم ﴾ ملازمان راجعه حقوق سیاب مربوط بمحاکم عدلیه است مگر در موافقکه قانون استعنا نماید

﴿ اصل هفتاد و سیم ﴾ تعیین محاکم عرقه بموجب حکم قانون است و کسی نمیتواند بواج اسم و رسم محکمه بر خلاف مشورات قانون تشکیل نماید



اصل هفتاد و چهارم) هجرت ممکن نیست متوقف گردد مگر بحکم قانون
 اصل هفتاد و پنجم) در تمام سلطنت فقط يك ديوانخانه تئیر برای امور عریه دایر خواهد بود و آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانه تئیر در هیچ محله ایستاد و بسگی نیستند مگر در محله‌های دیگر بوزرا باشد
 اصل هفتاد و ششم) امدادیه محاکمان عطفی است مگر آنکه عالی بودن آن محل نظم پادشاهی عصمت باشد
 در اینصورت لزوم اخبار محکمه اعلام می‌نماید
 اصل هفتاد و هفتم) ماده تقصیران سلب و مطبوعان چنانچه مجرمانه بر ذممه محاکمه صلاح باشد باید با تاقی جمیع اعضا محکمه بشود
 اصل هفتاد و هشتم) احکام صادر از محاکم باید بدلیل و موجه و محجوب فصول قانونیه که بر طبق این احکام صادر شده است بوده و غلط و فرائض خود
 اصل هفتاد و نهم) در مواد تقصیران سلب و مطبوعان همین منضمین در محاکم حاضر خواهند بود
 اصل هفتادم) رؤسا و اعضای محاکم عدلیه بقرتضی که قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان حدیثی منصوب میشوند
 اصل هفتاد و یکم) هیچ محاکم عدلیه را نمی‌توان از دمل خودسوقاً یا با انما بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تئیر داد مگر آنکه خودش ایستاد نماید
 اصل هفتاد و دوم) تبدیل مأمورین محاکم محکمه عدلیه نبیشود مگر برضای خود او
 اصل هفتاد و سیم) تعیین شخص مدعی عموم بالتصویب محاکم شرع در عهده پادشاه است
 اصل هفتاد و چهارم) شوری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد

اصل هفتاد و پنجم) رؤسای عدلیه بتوانند قبول خدمت مؤلفه دولتی را نمایند مگر اینکه آن خدمت را مجاناً بعهده گیرند و مخالف قانون هم باشند
 اصل هفتاد و ششم) در هر کرسی ایالتی يك محکمه استانی برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بزمنی که در قوانین عدلیه مصرح است
 اصل هفتاد و هفتم) محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام سلطنت تئیس خواهند شد
 اصل هفتاد و هشتم) حکمت متارعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون بحکمته تئیز راجع است
 اصل هفتاد و نهم) دیوانخانه عدلیه و محکماوقی امکوبوظائفه‌های عمومی وایالتی وولایتی بدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق بقانون باشند
 دو خصوص اجتنبای ایالتی و ولایتی
 اصل نودم) در تمام ممالک محروسه اجتنبای ایالتی و ولایتی بموجب تقاضایه مخصوص مهرب میشود و قوانین اساسیه آن اجتنبا ازین قرار است
 اصل نود و یکم) اعطاء اجتنبای ایالتی و ولایتی بلاواسطه ازطرف اهال انتخاب میشود مطابق تقاضایه اجتنبای ایالتی و ولایتی
 اصل نود و دوم) اجتنبای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت نامه در املاجات راجحه بتنافع عامه دارند باریات حدود قوانین مقرر
 اصل نود و سیم) صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از مرقبین توسط اجتنبای ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود



۳۰

(۱) اصل صدو سیم (۱) ترتیب و تنظیم انبار؛ این دیوان بموجب قانون است
 قانون
 (۲) اصل صد و چهارم (۱) ترتیب گرفتن قانون را قانون سیم بنیاد
 کاتب و حقوق اهل علم و زری بر مابست بموجب قانون است
 (۳) اصل صد و پنجم (۱) خارج نظام بر سه از طرف مجلس شورای
 ملی تصویب میشود
 (۴) اصل صد و ششم (۱) هیچ فتوای فقهی خارجه مجلس دولت قبول
 نمیشود و در قضاة از نظام مملکت کتبتواند اقامت و یا عبور کند مگر
 بموجب قانون
 (۵) اصل صد و هفتم (۱) حقوق و مناسبت و شئون اهل نظام ملیانمشود
 مگر بموجب قانون

سواد مسئول مبارک معاونان

(بسمه تعالی و علی)
 قسم نظامنامه اساسی ملاحظه شد نمایانست و مشخص میباشد که
 حافظ و ناصر که از آن جوانان پویا و اولاد مامور انانالی مدوری این
 امور و اساسی مجلس خوانند و در ۲۹ شبان قوی تولد ۱۳۲۶
 (در فهرست منطقی طهران)

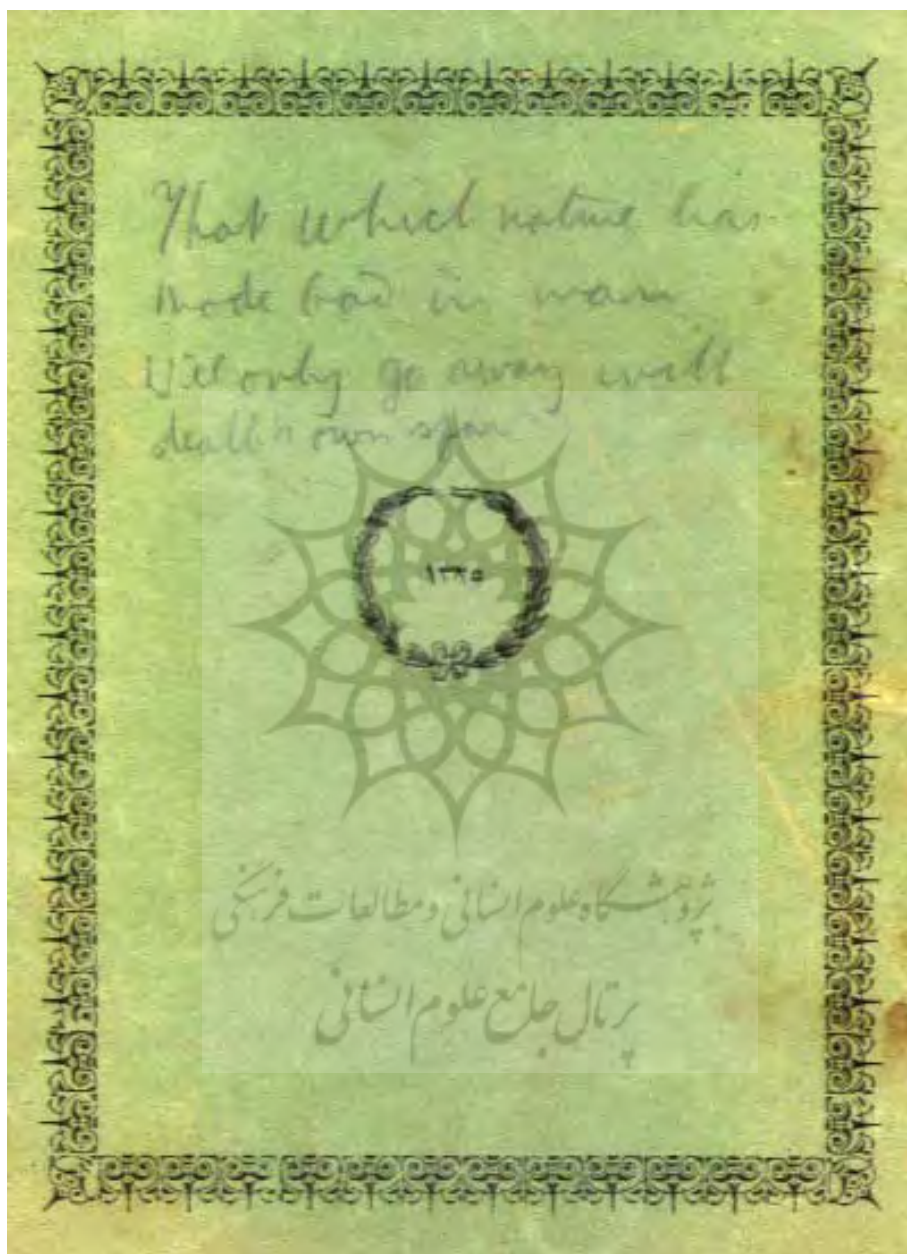


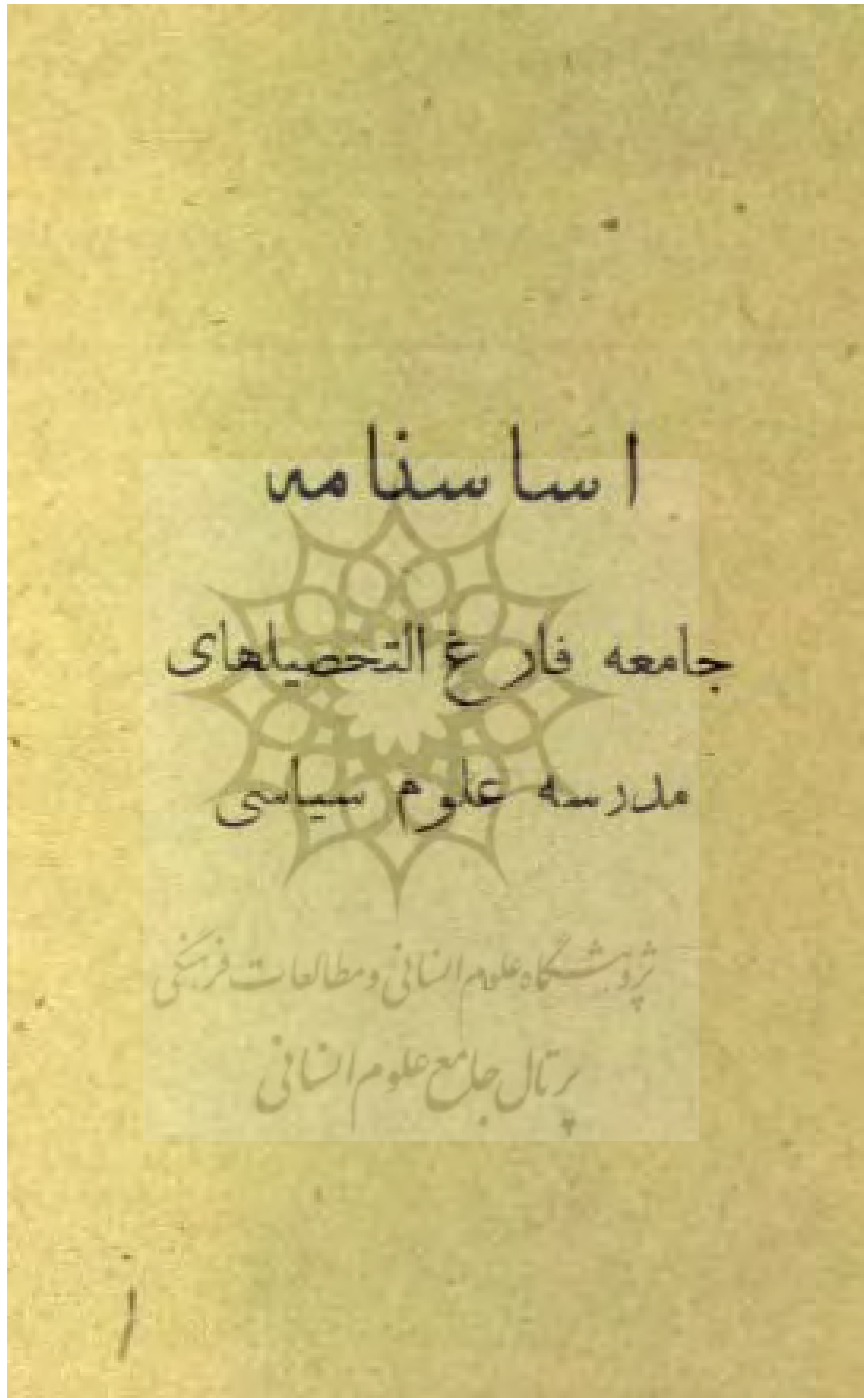
۳۰

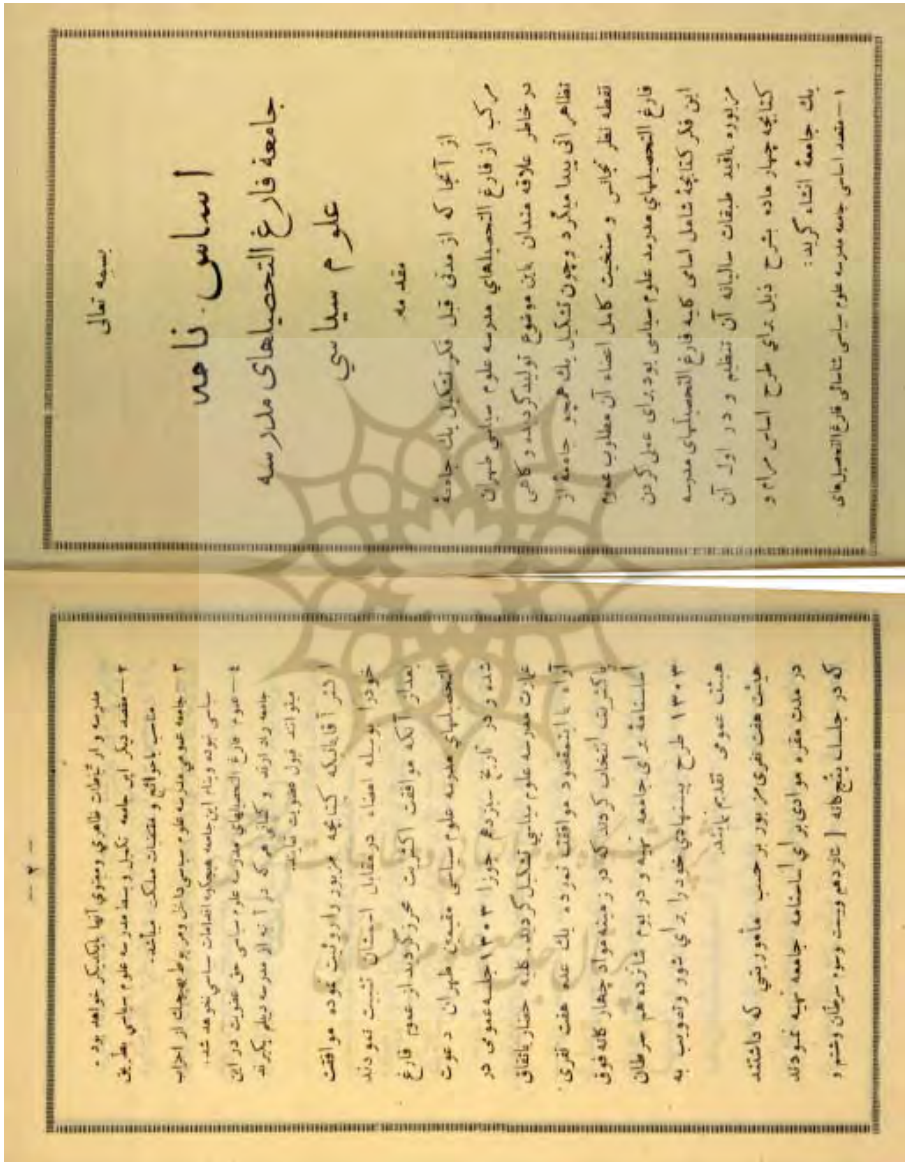
در خصوص باب

(۱) اصل بود و چهارم (۱) هیچ قسم بیانات بر قرار نمیشود مگر بکلیت
 هر اصل بود و پنجم (۱) مواردی را که از بدین بیانات عطف بوندند
 قانون مشخص خواهد بود
 (۲) اصل بود و ششم (۱) میزان بیانات را همه ساله مجلس شورای ملی
 بکثرت تصویب و سبب خواهد نمود
 (۳) اصل بود و هفتم (۱) در مواد بیاناتی هیچ قوت و اعتباری
 از ادوات نگارنده نخواهد شد
 (۴) اصل بود و هشتم (۱) تعلیف و تدوین از مابست شوط قانون
 مخصوص است
 (۵) اصل بود و نهم (۱) غیر از موافقت قانون سراجاً مستقی بنابر
 ترویج عنوان از اهل چیزی مطالبه میشود مگر باسم بیانات مملکتی و اداری
 و ولایتی و بانسی
 (۶) اصل سیم (۱) هیچ مرسوم و اساسی جزئیة دولت حواله نمیشود مگر
 بموجب قانون
 (۷) اصل صد و یکم (۱) اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی
 برای مملکت بموجب قانون مشور میشود تعیین خواهد نمود
 (۸) اصل صد و دوم (۱) دیوان محاسبات منور به مایه و تکلیف محاسبات
 اداره مایه و شرح حساب که محاسبات خزان است و مخصوصاً منظور است
 که هیچ یک از هرات خارج میده در بودجه از میزان طرف تجاوز نموده
 غیر و نمایان نمیشود و هر وقتی در محل خود معترف برسد و همچنین
 مایه و تکلیف محاسبه که از ادارات دولتی را نموده اوراق سند شرح
 محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورتی که محاسبات مملکتی را باید
 انضمام ملاحظان خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید

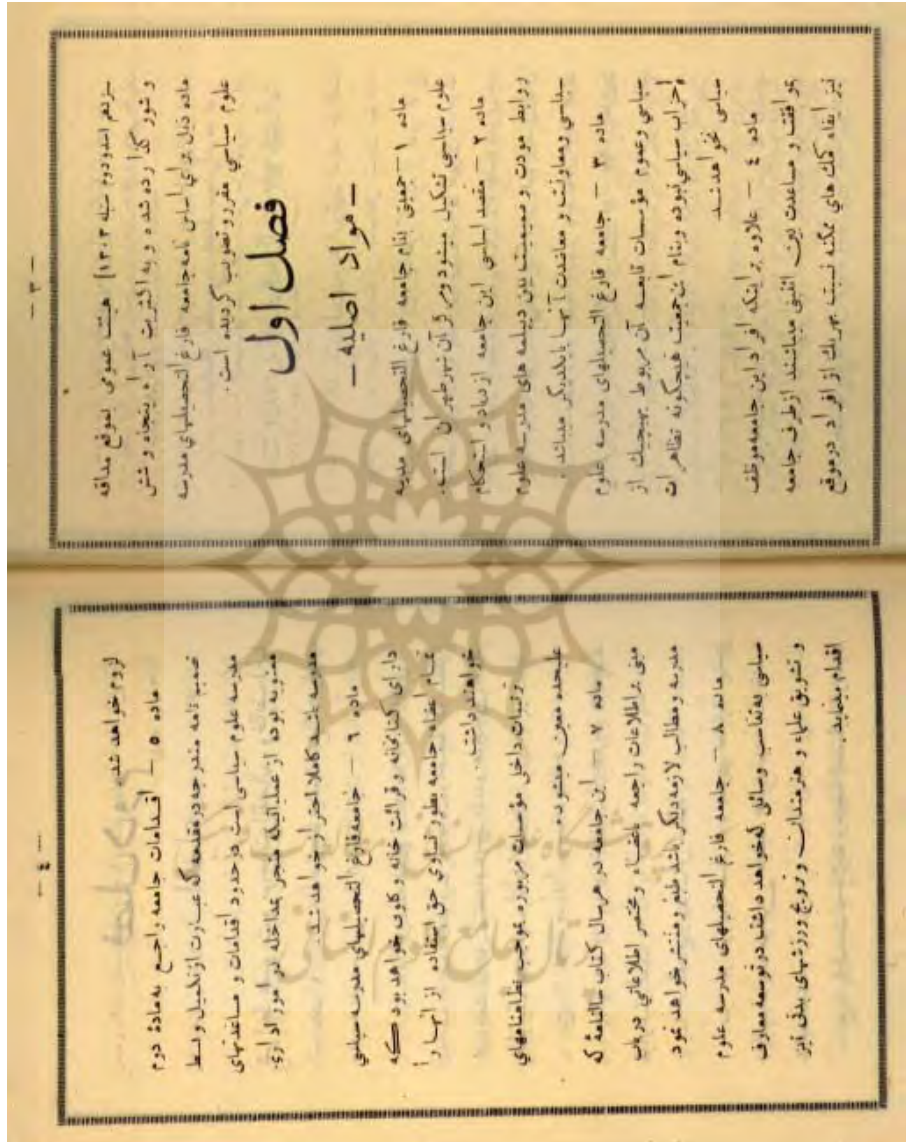


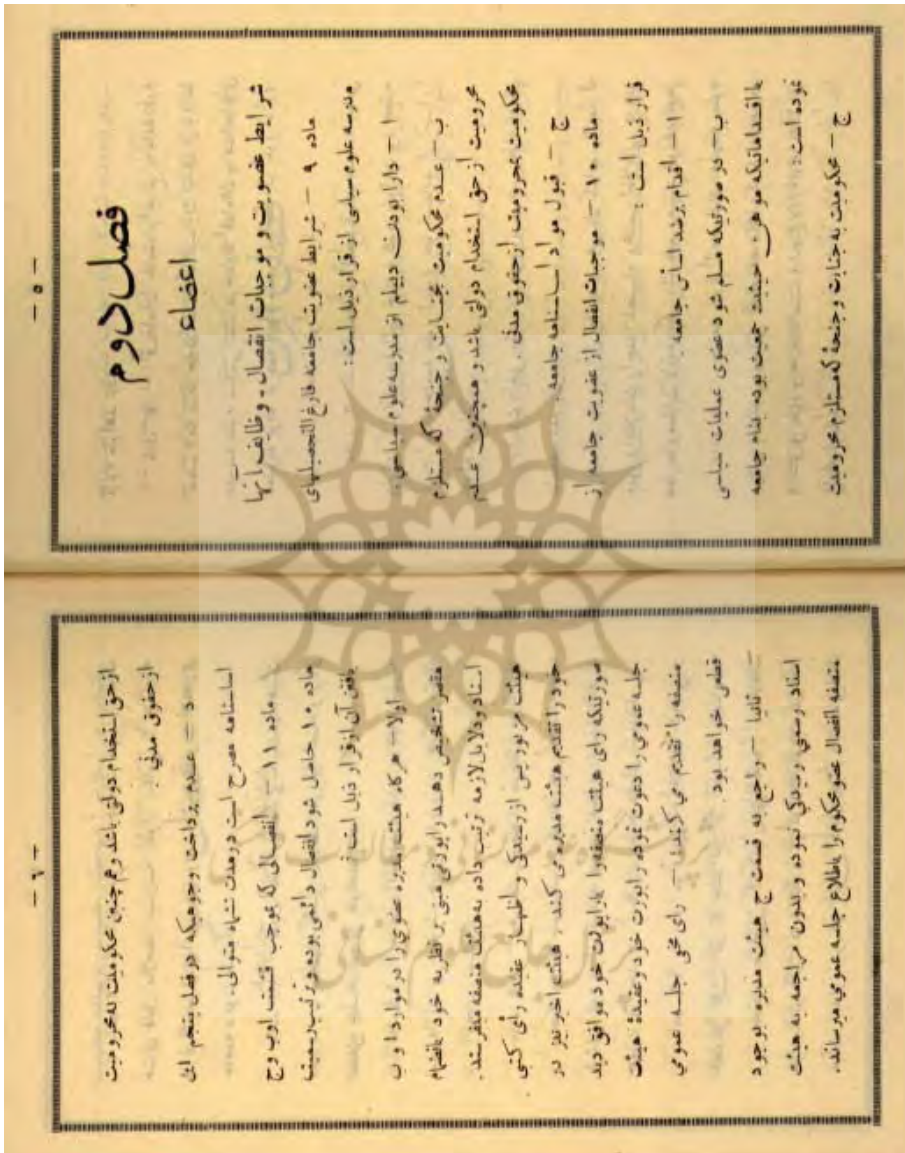






پیام بهارستان / ۲۵، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

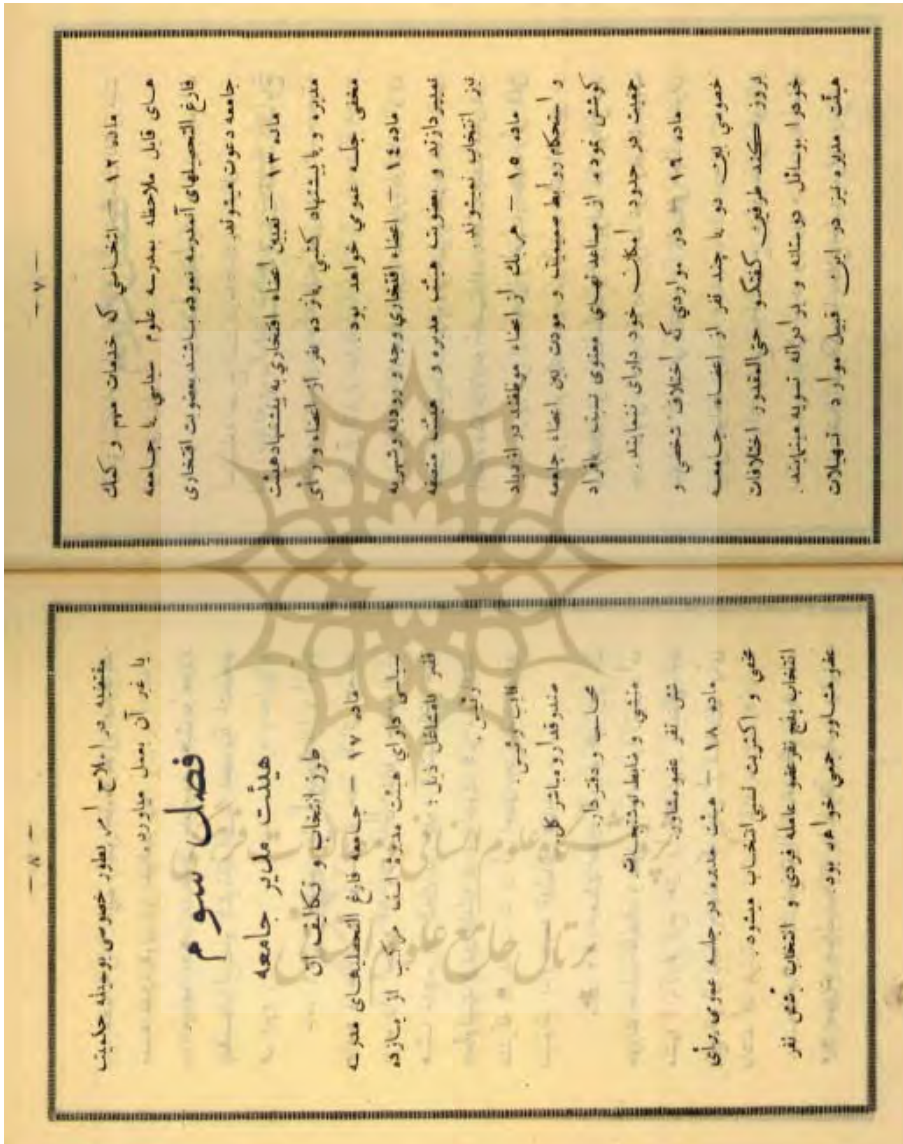


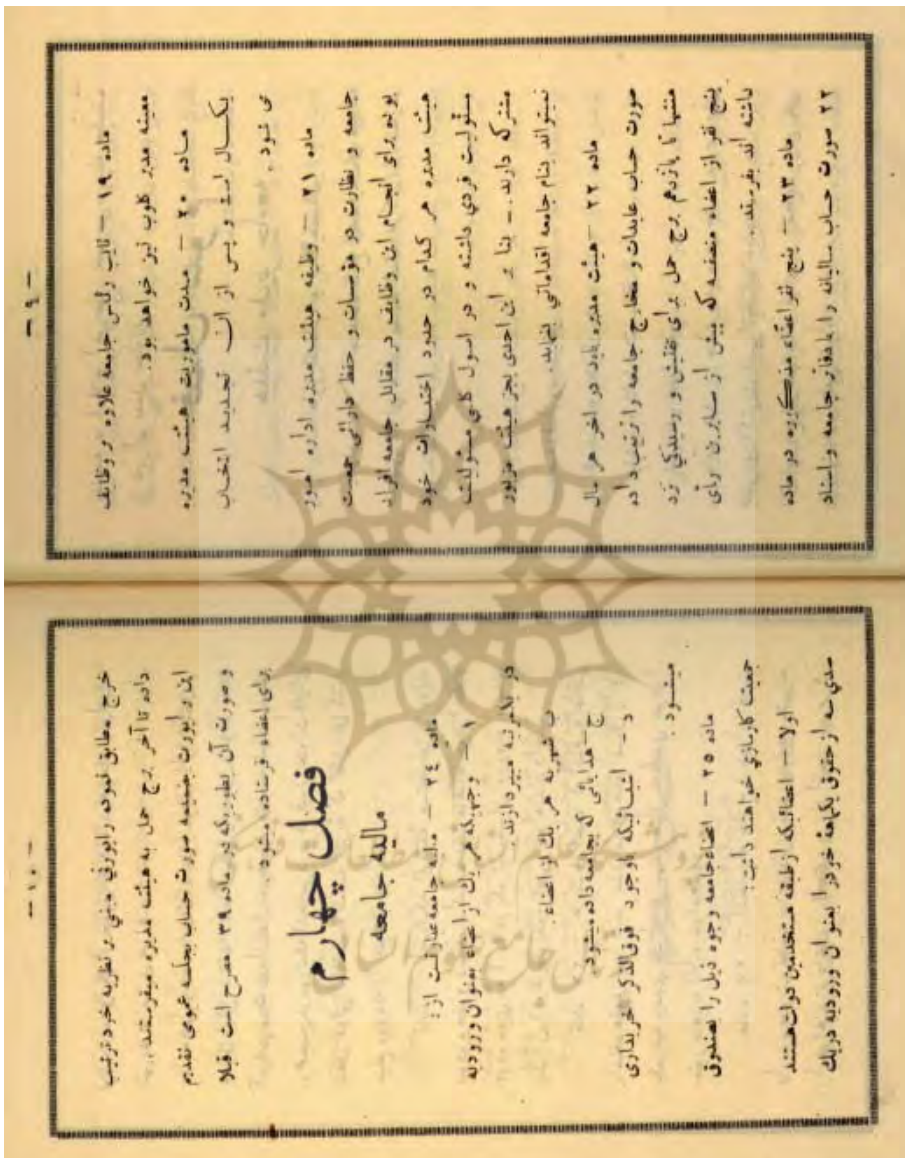


فصل دوم
اعضاء

شرایط عضویت و موجبات انفصال - وظایف آنها
 ماده ۹ - شرایط عضویت جامعه فارغ التحصیلان
 مدرسه علوم سیاسی از قرار ذیل است:
 ۱ - دارا بودن دیپلم از مدرسه علوم سیاسی
 ب - عده حکومت مجتبیان و خنج که مستلزم
 محرومیت از حق استخدام دولتی باشد و همچنین علم
 حکومت محرومیت از حقوق مدنی
 ج - قبول مواد اساسنامه جامعه
 ماده ۱۰ - موجبات انفصال از عضویت جامعه از
 قرار ذیل است:
 ۱ - اقامت بزمه اثنی جامعه
 ب - نادر مورثیکه مسلم شود و عضویت عملیات سیاسی
 یا اقتصاداتیکه موثر در حیثیت جمعیت بوده بانه جامعه
 غایب است:
 ج - محکومیت به جنارت و جنحه که مستلزم محرومیت

از حق استخدام دولتی باشد و همچنین محکومیت به محرومیت
 از حقوق مدنی
 د - عدم پرداخت وجوهیکه در فصل پنجم این
 اساسنامه مصرح است در مدت ششماه متوالی.
 ماده ۱۱ - انضباطی که بموجب کتبت ارباب و ج
 ماده ۱۰ حاصل شود انفصال دائمی بوده و ترتیب رسمیت
 باقی آن از قرار ذیل است:
 اولاً - هرگاه هیئت نظیره شعری را در موارد و ب
 مقصود تشخیص دهد رایورثی مبنی بر نظریه خود با اتمام
 اسناد و ولای لازم ترتیب داده به هیئت منصفه منقرضند.
 هیئت مزبور پس از رسیدگی و اظهار عقیده رأی کتبی
 خود را تقدم هیئت مدیره می کند. هیئت اخیر نیز در
 صورتیکه رأی هیئت منصفه را با رایورث خود موافق دید
 جلسه عمومی را دعوت نموده رایورث خود و عقیده هیئت
 منصفه را تقدم می کنند. رأی عمومی جلسه عمومی
 قطعی خواهد بود.
 ثانیاً - راجع به قسمت ج هیئت مدیره بوجود
 اسناد رسمی وینکی نبوده و بدون مراجعه به هیئت
 منصفه انفصال عضو محکوم را با اطلاع جلسه عمومی مبرسانند.





ماده ۱۹ - لایب رئیس جامعه علاوه بر وظایف
 معینه مدیر کلوب نیز خواهد بود.
 ماده ۲۰ - مدت مأموریت هیئت مدیره
 یکسال است و پس از آن تجدید انتخاب
 می شود.

ماده ۲۱ - وظیفه هیئت مدیره اداره امور
 جامعه و نظارت در مؤسسات و حفظ طواری جمعیت
 بوده برای انجام این وظایف در مقابل جامعه افراد
 هیئت مدیره هر کدام در حدود اختیارات خود
 مسئولیت فردی داشته و در اصول کلی مسئولیت
 مشترک دارند. بنا بر این احدی بجز هیئت مدیره
 نمیتواند بنام جامعه اقداماتی بنماید.

ماده ۲۲ - هیئت مدیره باید در آخر هر سال
 صورت حساب عایدات و مخارج جامعه را ترتیب داده
 منتهای کار بازرسی بر حل برلی تنظیم و رسیدگی نزد
 پنج نفر از اعضاء متصفه که پیش از سایرین رأی
 یافته اند بفرستد.

ماده ۲۳ - پنج نفر اعضاء مذکور در ماده
 ۲۲ صورت حساب سالانه را با دفاتر جامعه و اسناد

خرج مطابق نموده را بوردی جنسی بر نظریه خود ترتیب
 داده تا آخر برج حمل به هیئت مدیره بفرستند.
 این را بوردی جنسیه صورت حساب بکلیه عمومی تقدیم
 و صورت آن بطوریکه در ماده ۳۹ مصرح است قبلاً
 برای اعضاء فرستاده میشود.

فصل چهارم مالیة جامعه

ماده ۲۴ - ماده جامعه عبارتست از:
 ۱ - وجوهی که هر يك از اعضاء بعنوان بنوان ورودیه
 در بطوریه میبده اند.

ب - شهریه هر يك از اعضاء.
 ج - هدایائی که بجامعه داده میشود.
 د - اشیائی که باوجود فوق الذکر خریداری
 میشود.

ماده ۲۵ - اعضاء جامعه وجوه ذیل را تصدق
 جمعیت کاربازی خواهند داشت:

اولاً - اعضاءیک از طبقه متفحصین دولت هستند
 مدتی سه از حقوق یکماه خود را بعنوان ورودیه در یک

نصف دیگر ورودیه را برداشته و از تاریخ اقامت شهریه را نیز تماماً نادیه خواهند نمود.

ماده ۲۸- عضویکه بیش از سه ماه متوالی از طهران غیبت کند در صورتیکه قبلاً مسافرت خود را اطلاع داده باشد فقط نصف شهریه مقرره را در مدت غیبت خود بخورده زد.

ماده ۲۹ - انحصاریکه جوین ماه قبول عضویت نمایند شهریه آن ماه را تمام خواهند برداشت.

ماده ۳۰ - محاسبات دادوستد جمعیت مطابق بروج شخصی خواهد بود.

ماده ۳۱ - جامعه دوازده خواهد داشت که صورت کلیه جمع و خرج جمعیت بطور روزن در آنها ثبت میشود چنانچه در هر موقع پس از مراجعه بانها بتوان وضع مالی جامعه را مشخص نمود.

فصل پنجم

هیئت منصفه

وظیفه و طرز انتخاب آنست

ماده ۳۲ - جلب عمومی فارغ التحصیلای مدرس

نوبت و مدتی يك از حقوق خود را در هر ماه بعنوان شهریه کار سازی خواهند داشت.

تبصره - اعضائیکه بطور موقت دارای شغل و حقوق دولتی نیستند شخصاً مبلغی را معین نموده نادیه آنرا در مدت عدم اشتغال خود بطور ماهانه تمهید نمایند و همچنین در صورتیکه اشخاصی در موقت قبول عضویت دارای شغل دولتی نباشند به نسبت شهریه که تقبل می کنند مبلغ ورودیه را خواهند برداشت.

تأیید - اعضائیکه از طبقه مستخدمین دولت نبوده و حقوق دولتی ندارند عایدات ماهانه خود را اعلام نموده مدتی سه آ را در یکمرتبه بعنوان ورودیه و مدتی يك آن را در هر ماه بطور شهریه خواهند برداشت.

ماده ۲۶ - هر يك از اعضاء که اضافه عایدی یا اضافه حقوق پیدا کند مدتی سه از مبلغ اضافی را در یکمرتبه و مدتی يك از کل مبلغ حقوق با عایدی خود را بطور ماهانه نادیه خواهد نمود.

ماده ۲۷ - انحصاریکه خارج از طهران اقامت دارند و عضویت جامعه را می پذیرند نصف ورودیه و شهریه را خواهند برداشت. لکن پس از اقامت در مرکز

علوم سیاسی در هر سال ۱۵ نفر برای عضویت در هیئت منصفه انتخاب می‌نمایند. - این انتخاب برای علمی و اکثریت سنی است.

انتخاب نخواهند شد. - اعضاء هیئت مدیره به صورت هیئت منصفه

ماده ۳۳ - وظیفه هیئت منصفه رسیدگی برایورات

هیئت مدیره در باب انفصال دائمی اعضاء و تصدیق یا رد

آن می‌باشد و همچنین در صورتیکه اختلافاتی بین

اعضاء در موسسات جامعه حادث شود رسیدگی و اظهار

عقیده در آن بعهده هیئت مزبوره خواهد بود.

ماده ۳۴ در مواردیکه هیئت مدیره را بطور

راجع بانفصال دائمی تعوی تعوی توبه باشد بوسیله

قرعه پنج نفر از اعضاء منصفه را برای رسیدگی بآن

را بطور تعیین خواهد نمود. قرعه با حضور نفعس

متمم یا غایبانه او استخراج میشود.

در صورتیکه شخص متمم از حضور و تعیین غایبانه

استنکاف کند یا حضور سه نفر انحصاریه در موقع

انتخابات اعضاء مشاور هیئت مدیره پس از شش نفر

اولیه اکثریت فائده اند استخراج قرعه میشود.

تیمبره - در صورتیکه هر يك از سه نفر فوق‌الذکر قبول این نظارت را ننمایند یا غائب باشند از انتخابیکه بعد از آنها حاضر اکثریت هستند تعیین خواهند شد.

ماده ۳۵ - ششم دوبره از برون اعضاء جامعه

از جانب خود بر روی عضویت در هیئت منصفه مینماید خواهند

نمود و چنانچه از اینستاده استنکاف نمایند دوبره دیگر از

اعضاء منصفه بحکم قرعه بر طرفی ماده ۳۴ ضمیمه

خواهند شد.

ماده ۳۶ - هیئت منصفه را بطور هیئت مدیره

و انحصار متمم ابلاغ و جوبان کنی از او دریافت داشته

شروع بر رسیدگی خواهد نمود.

ماده ۳۷ - در موقع رسیدگی رسیدگی غایبانه هیئت

مدیره و شخص متمم یا نماینده مشاور اولیه دفاع و

توضیحاتی خواهی حضور خواهند داشت.

ماده ۳۸ - چنانچه پس از دو مرتبه ابلاغ

که فارغ نیست آنها لا اقل يك هفته است عضو متمم از

دادن جواب با حضور و تعیین غایبانه خود داری نماید

هیئت منصفه غیبا رسیدگی نموده رأی خواهد داد.

ضروری و فوری بداند و همچنین در مواردی که نیک انشاء حاضر طهران کتباً تقاضای تشکیل جلسه عمومی را نمایند هیئت مدیره موظف است بطور فوق‌العاده اقدام بدعوت جلسه عمومی بنماید.

ماده ۴۳ - دعوت و تشکیل و اداره کردن

جلسات عمومی نهمین هیئت مدیره است و در موقع تشکیل جلسه برج نور اقامت روز قبل از جلسه باید انجام را از انعقاد آن مستحضر داشت و در همان موقع صورت محاسبات سابقه و راپورت سه نفر حاضر منطقه که ضمیمه است و هم چنین پیشنهاد های هیئت مدیره و دستور جلسه باید برای هر يك از اعضاء فرستاده شود. در جلسات بیه مقرب راپورت عملیات ششماهه هیئت مدیره و سایر پیشنهادان مطرح خواهد شد.

ماده ۴۴ - جلسه عمومی وقتی میتواند داخل

مذکره شود که اقل نصف بهلاوه يك اعضاء حاضر طهران (پس از محسوب داشتن آرايی که وكالته به حصار داده شده) حضور داشته باشند.

اگر در جلسه اولی عدم لازم حاضر نشوند هیئت مدیره

ماده ۳۹ - در موارد رسیدگی با اختلافات

حاصل بین اعضاء که بر طبق قسمت اخیر ماده ۳۳ رسیدگی آن بعهده هیئت منطقه است نیز پنج نفر بوسیله قرعه تعیین شده هر يك از طرفین حق دارند در نفر از اعضاء جامعه از جانب خود برای عضویت در هیئت مزبور تعیین نمایند. حضور جایزنده هیئت مدیره در موقع رسیدگی لازم نیست.

ماده ۴۰ - در صورت استنکاف هر يك از طرفین از حضور هر موقع استخراج قرعه یا تعیین نماینده موافق مواد ۳۴ و ۳۵ رفتار خواهد شد.

فصل ششم

جلسه عمومی

ماده ۴۱ - جامعه فارغالتحصیلی مدیره

سیاسی دارای جلسات عمومی از کلیه اعضاء رسمی حاضر در طهران خواهد بود که در هر سال دو مرتبه در نیمه آخر برج نور و نیمه آخر برج مقرب تشکیل میشود.

ماده ۴۲ - در مواقعی که هیئت مدیره



بازتاب جلسه عمومی را صورت خواهد کرد. در این مرتبه با حضور همه حاضرین طیاره شناسی خواهد بود. مدیران با حضور داشتن آراء و نظرات جلسه تشکیل شود و اشیاء جلسه عمومی قابل توجه را خواهد داشت.

ماده ۴۵ - اعضائیکه از حضور منصرف میشوند یا کمتر دیگر از اشیاء را نکات دهند. و هکذا نامه باید قبل از تشکیل جلسه به رئیس تسلیم شود.

ماده ۴۶ - آراء و نظرات از طرف مؤلفان معترض است و هیچ عیبی نمیتواند پیش از نظرانی و کلام داشته باشد.

ماده ۴۷ - جلسات عمومی مخصوصاً در مواردی که بحث نموده رآئی خواهد داد:

- ا - صورت حساب سالانه.
- ب - پیشنهاد های هیئت مدیره.
- ج - تغییر مواد اساسنامه و نظامنامه‌های که بشعوب جلالت عمومی رسیده است و همچنین تغییر موافقی که عمل اختلاف باشد.
- د - انتخاب هیئت مدیره.
- ه - انتخاب اعضاء منتهی.

- و - رسیدگی و صورت راپورت های تشابه و سایر اشیاء جامعه.
- ز - تصدیق یا رد بر این هیئت منتهی راجع با اتصال اشیاء.
- ح - پیشنهاد هایی که اعضای بازره شر از اشیاء جامعه رسیده باشد.

فصلی هفتم
کلوب جامعه

ماده ۴۸ - کلوب جامعه که در ماده ۵۰ این اشاره شده موقوف به کلوب فارغ التحصیلان علمی میشوند و مرکز آن شهر طهران است.

ماده ۴۹ - مقصد این کلوب تهیه عمل مناسبتی برای ملاقات اشیاء جامعه میباشد.

ماده ۵۰ - کلوب بخانه و قرائت خانه جامعه در کلوب تشکیل میشود.

ماده ۵۱ - کلوب بپرزانت و سائل که خواهد داشت اقدام در تهیه لوازم پذیرائی و تفریحان اشیاء خود میکند.

ماده ۵۲ - کلیه اعضاء جامعه فارغ التحصیل‌های
سیاسی حق عضویت این کلوب را داشته و در صورت انفصال
از جامعه از عضویت کلوب نیز منتقل خواهند بود.

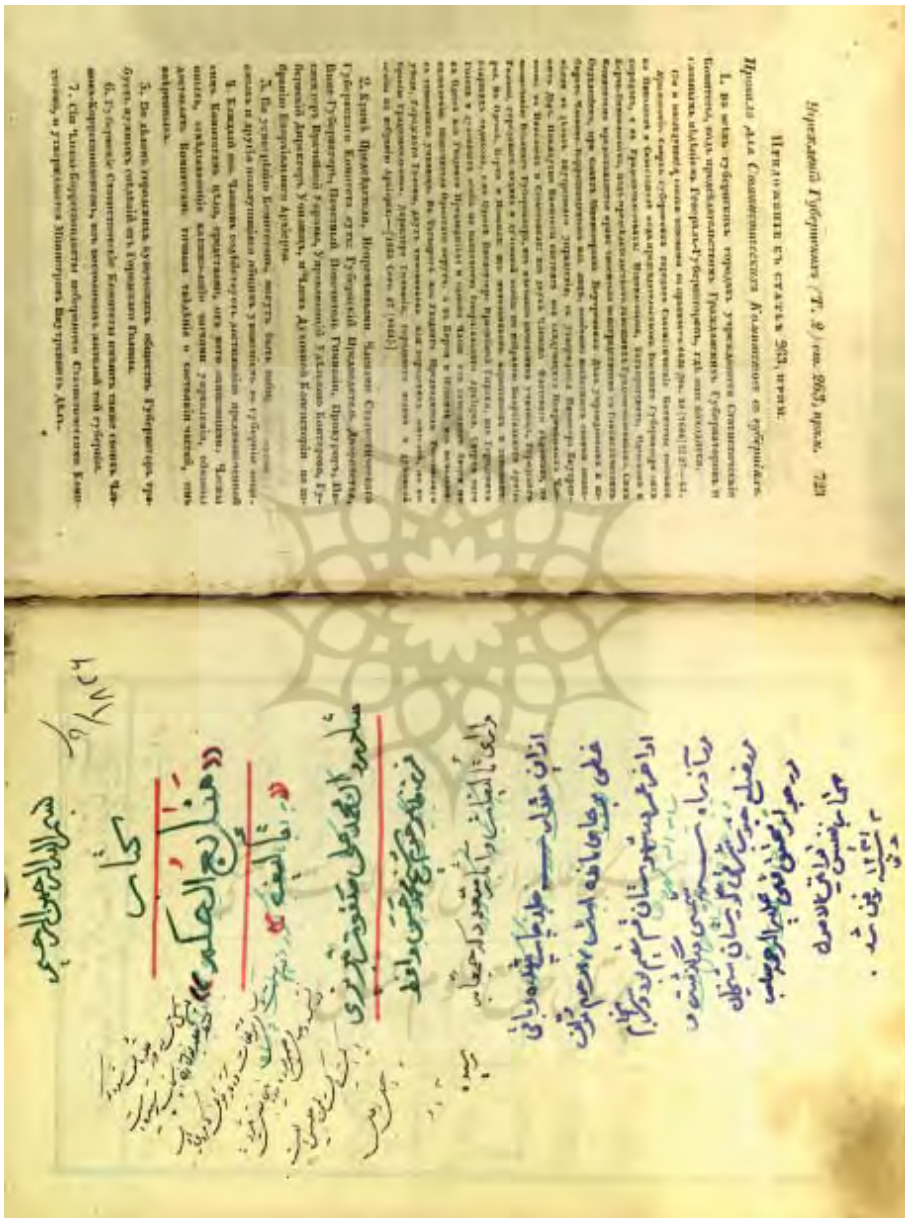
ماده ۵۳ - مدیر و معلمین رسمی مدرسه
علوم سیاسی و کسانیکه دارای این مقامات بوده اند در
صورتیکه مایل باشند عضویت کلوب پذیرفته می شوند.

ماده ۵۴ - اعضائیکه مشمول ماده ۵۳
هستند قبولی عضویت کلوب را در دفتر مخصوص قید
نموده مبلغ سه تومان ورودیه در یکمترتبه و مبلغ
یکتومان بعنوان شهریه در هر ماه به صندوق کلوب
خواهند پرداخت.

ماده ۵۵ - کلیه مخارج کلوب از صندوق عمومی جامعه
تادیه شده عایدات آن نیز بصندوق مزبور تحویل میشود.

ماده ۵۶ - کلیه قوانین و تنظیمات داخلی کلوب در
و کتابخانه نظامیستایی از طرف هیئت مدیره تدوین
و بموقع اجرا گذارده میشود مشروط بر اینکه نظامنامه‌های
مزبوره مخالفی با مواد این اساس نامه نداشته باشد.

شرکت مطبعه • قناعت • طهران



پیام بهارستان / س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

Исторический Летописецъ / Т. 8 / июль 1883 года. 721

۱۳۷۶
 درگاه آفتاب و آینه شوره که جمعی است
 از آن مقلدین طایفه کهنه و دانی
 خلقی بر جای آفتاب و عصم و زلف
 ادا فرمودند به شهرستان هم بر یک کلام
 و آرزوهای سبب بوی و لایقند و
 در ضلع جیرفت که در استان سیستان
 در جو تر و خوشی خلقی را در حلقه
 همانا بنشینند و در آن لادامه
 و در آن لادامه
 و در آن لادامه

سازمان آفتاب و آینه شوره که جمعی است
 از آن مقلدین طایفه کهنه و دانی
 خلقی بر جای آفتاب و عصم و زلف
 ادا فرمودند به شهرستان هم بر یک کلام
 و آرزوهای سبب بوی و لایقند و
 در ضلع جیرفت که در استان سیستان
 در جو تر و خوشی خلقی را در حلقه
 همانا بنشینند و در آن لادامه
 و در آن لادامه
 و در آن لادامه

«منابع الحکم»
 کتاب
 در آن لادامه
 و در آن لادامه
 و در آن لادامه